# فصل دوم

# مبانی نظری و ادبیات تحقیق

# 2-1. مقدمه:

در این پژوهش به دنبال بررسی ارتباط بین ساختارهای رقابتی محصولات با محافظه کاری حسابداری خواهیم بود. محافظه کاری می­تواند به عنوان گرايش حسابداري به الزام درجه­ بالاتري از تائيد­پذيري براي شناسايي اخبار خوب در مقايسه با ميزان تائيدپذيري لازم براي شناسايي اخبار بد در حیطه انعطاف پذیری اصول پذیرفته شده حسابداری تعريف شود (باسو 1997، واتس 2003 و بیور و رایان 2005). نتیجه این رفتار منجر به کمتر نشان دادن سود و یا بیشتر نشان دادن هزینه­ها و در نهایت کمتر گزارش کردن داراییها و بیشتر نشان دادن بدهی­ها خواهد بود.

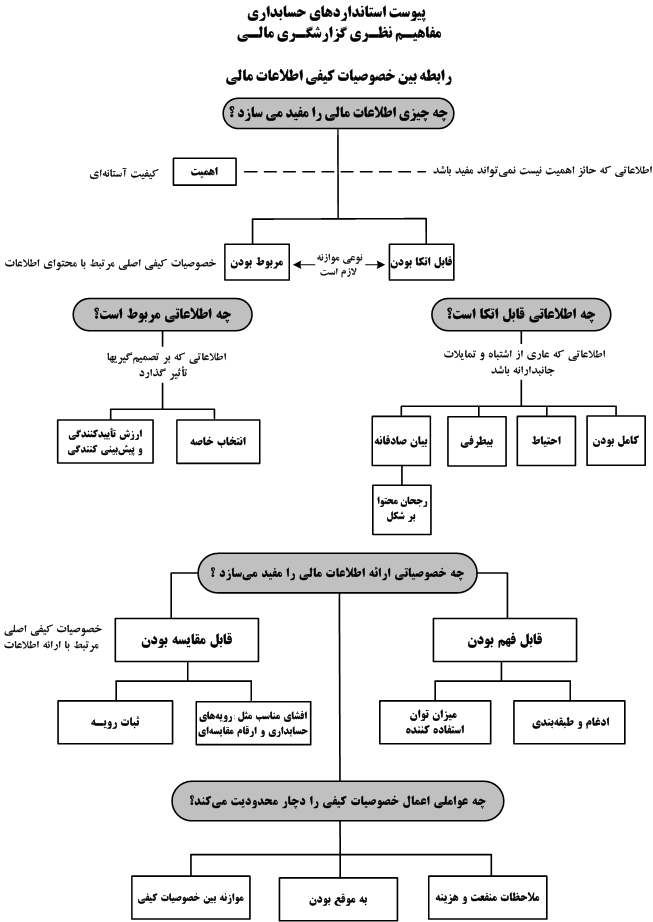
محافظه کاری به عوامل متعدد از جمله ؛ وجود قرارداد بین واحد تجاری و سایر ذی­نفعان، احتمال شکل گیری دعاوی حقوقی، تلاش برای کاهش یا به تعویق انداختن مالیات، حفظ منافع عموم جامعه، افزایش کیفیت اطلاعات مالی، کاهش هزینه­های سیاسی، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و سطح رقابت بستگی دارد. معیارهای اندازه­گیری متنوع هستند اما مهمترین آنها مدل ارائه شده توسط باسو(1997) می­باشد. فشارهای رقابتی منجر به افزایش سطح محافظه کاری خواهد شد. بدین معنی که شرکت­ها و فعالین بازار به منظور جلوگیری از ورود رقبای جدید به صنعت و همچنین جلوگیری از انتشار اطلاعات محرمانه به رقبای موجود در گزارش­گری مالی محافظه کاری را در پیش خواهند گرفت (داروغ و استاغتون1990 و کلینچ و ورکچیلیا[[1]](#footnote-1) 1997). در واقع اتخاذ رویکرد محافظه­کارانه این مزیت را دارد که جلوی ورود رقبای جدید به صنعت را گرفته و مانع از انتشار اطلاعات محرمانه به رقبای موجود می­شود. ولی، در صورت اتخاذ این رویکرد( محافظه کاری) انتظارات از عملکرد آتی شرکت پایین نگه داشته می­شود. و در نتیجه نرخ بازده مورد انتظار ذی­نفعان پایین­تر از واقعیت خواهد بود. در این صورت با کاهش سطح محافظه کاری می­توان دادو ستد اوراق بهادار شرکت را رونق بخشید.

با توجه به اینکه هدف مدیریت مالی حداکثر کردن ثروت سهامداران می­باشد این سوال اساسی مطرح می­شود که ثروت ذی­نفعان با گزارشگری مالی محافظه­کارانه حداکثر می­شود یا گزارش­گری متهورانه؟ صنایعی که با تهدیدات رقابتی رو به رو هستند به منظور جلوگیری از افزایش رقابت محافظه کاری را در پیش می­گیرند و از این بابت ثروت سهامداران را بیشتر می­کنند ولی عیب این حالت این است که گزارش­گری مالی محافظه­کارانه انتظارات بازار سرمایه از اوراق بهادار شرکت را پایین نگه می­دارد و این کار باعث می­شود ارزش بازار اوراق بهادار کمتر از ارزش ذاتی آنها باشد و این موضوع به نفع سرمایه­گذاران نخواهد بود.

بر اساس مدل­های نظری پیش­بینی ما به این صورت خواهد بود که با افزایش رقابت سطح محافظه کاری افزایش می­یابد و در مواقع نیاز به تامین مالی جهت اینکه تامین مالی به بهترین نحو ممکن صورت گیرد، شرکت­ها سطح محافظه کاری را به منظور افزایش انتظارات، کاهش خواهند داد. هرچند این کار باعث افزایش تهدیدات ناشی از رقابت بازار محصولات باشد.

# 2-2. مفید بودن اطلاعات مالی

در مفاهیم نظری گزارش­گری مالی هدف از ارائه اطلاعات مالی به صورت زیر بیان شده است؛ "هدف‌صورتهاي‌مالي‌عبارت‌ازارائـه‌اطلاعاتي‌تلخيص‌وطبقه‌بندي‌شده‌درباره‌وضعيت‌مالي‌،عملكرد مالي‌وانعطاف‌پذيري‌مالي‌واحدتجاري‌است‌كه‌براي‌طيفي‌گسترده‌ازاستفاده‌كنندگاصورتهاي‌مالي‌ دراتخاذتصميمات‌اقتصادي‌مفيدواقع‌گردد."[[2]](#footnote-2) در حقیقت صورت­های مالی بیانگر اطلاعاتی از واحد تجاری هستند که به عموم استفاده کنندگان منتشر می­شوند. استفاده کنندگان اطلاعات مالی بسیار متنوع هستند. اطلاعات مالی در صورتی برای عموم استفاده کنندگان مفید خواهند بود که دارای خصوصیات کیفی باشند. شکل شماره(1) خلاصه­ای از خصوصیات کیفی اطلاعات مالی را نشان می­دهد. همانطور که مشاهده می­شود خصوصیات کیفی اصلی مرتبط با اطلاعات مالی، قابل اتکا بودن و مربوط بودن هستند. یکی از مهمترین خصوصیات کیفی قابل اتکا بودن، محافظه کاری است از آن به عنوان اصل احتیاط یاد شده است.



شکل شماره(1) خصوصیات کیفی اطلاعات مالی

# 2-3. مفهوم محافظه­كاري

محافظه­كاری به طورسنتی باضرب المثل «هیچ سودی شناسایی نكنید ، اما همه­ی زیان­هاراشناسایی كنید » بیان شده است (رضازاده و آزاد به نقل از بلیاس1924[[3]](#footnote-3)). علي­رغم فقدان تعريف جامعي از محافظه­كاري، در ادبيات حسابداري، دو ويژگي مهم محافظه­کاري مورد بررسي قرار گرفته است. نخست، وجود جانبداري در ارائه­ی كمتر از واقع ارزش دفتري نسبت به ارزش بازارِ آن كه توسط اهلسون[[4]](#footnote-4) (1995) عنوان شده است. دوم، تمايل به تسريع در شناسايي زيان­ها و به تعويق انداختن شناسايي سود­ها كه توسط باسو (1997) بیان شده است. واتس (2003) بیان کرد که محافظه کاری تاییدپذیری متفاوت مورد نیاز برای شناسایی سودها در مقابل زیان­ها می­باشد. در بیانیه مفاهیم حسابداری شماره­ی دو نیزبرای تشریح محافظه­كاری چنین آمده است:*" اگردوبرآوردازیك مبلغ دریافتنی یاپرداختنی آتی وجودداشته باشدواحتمال وقوع هردویكسان باشد؛ محافظه­كاری استفاده از برآوردی را دیكته می­كندكه كمترخوشبینانه است"*(هیات استانداردهای حسابداری مالی، 1980 ).

باسو (1997) محافظه کاری را گرايش حسابداري به الزام درجه­ بالاتري از تائيد­پذيري براي شناسايي اخبار خوب در مقايسه با ميزان تائيدپذيري لازم براي شناسايي اخبار بد تعريف كرده است. که این موضوع منجر به کم­نمایی سود و در نتیجه دارایی­ها می­شود. کمیته فنی سازمان حسابرسی ایران(1386) بیان می­کند که تهيه كنندگان صورت­هاي مالي با ابهاماتي كه به گونه­اي اجتناب­ناپذير بر بسياري از رويدادها و شرايط سايه افكنده است، برخورد می­کنند. نمونه اين ابهامات شامل قابليت وصول مطالبات، عمرمفيد احتمالي دارايي­هاي ثابت و تعداد و ميزان ادعاهاي مربوط به ضمانت كالاي فروش رفته می­باشد. چنين مواردي با رعايت احتياط در صورت­هاي مالي و همراه با افشاي ماهيت و ميزان آنها بررسي مي­شود*. «احتیاط عبارتست از کاربرد درجه­ای از مراقبت که در اِعمال قضاوت برای برآوردهای حسابداری در شرایط ابهام مورد نیاز است، به گونه­ای که درآمدها یا داراییها بیشتر از واقع و هزینه­ها یا بدهی­ها کمتر از واقع نشان داده نشوند.»* در واقع محافظه کاری را می­توان محصول ابهام دانست. هرگاه حسابداران با ابهام روبرو شوند، محافظه کاری را به کار می برند. از نظر اين كميته، اعمال احتياط نبايد منجر به ايجاد اندوخته­هاي پنهاني يا ذخاير غير ضروري گردد يا داراييها و درآمدها را عمداً كمتر از واقع و بدهي­ها و هزينه­ها را عمداً بيشتر از واقع نشان دهد، زيرا اين امر موجب نقض بي­طرفي مي­شود. از ديدگاه تهيه كنندگان صورت هاي مالي، محافظه­كاري كوششي است براي انتخاب روشي از روشهاي پذيرفته شده­ی حسابداري كه به يكي از موارد زير منتج شود (شباهنگ، 1387، ص 54):

1. شناخت كندتر درآمدها،
2. شناخت سريعتر هزينه ها،
3. ارزشيابي كمتر دارايي ها و
4. ارزشيابي بيشتر بدهي ها.

در تعريف­هاي بالا، يك نقطه مشترك وجود دارد كه همان اشاره به تأثير­گذاري محافظه­كاري بر فرآيند تصميم­گيري استفاده­كنندگان صورت­هاي مالي است. به طور كلي، هدف محافظه­كاري جلوگيري از تصميم­گيري­هاي نادرست از سوی سرمايه­گذاران و ساير استفاده­كنندگان از صورت­هاي مالي است. از ديدگاه تئوري نمايندگي كه حقوق و مزاياي مديران را به سود گزارش شده مرتبط مي داند، مديران انگيزه­هاي قوي براي پنهان كردن اخبار بدي كه موجب كم شدن سود مي شود دارند. بنابراين، مي توان محافظه­كاري را سازوكاري براي كنترل انگيزه­هاي مديران به منظور گزينش بيش از واقع سود تلقي كرد(شوروزی و خاندوزی، 1387).

محافظه کاری در گزارش­گری مالی مزایایی دارد که که شاید از دیدگاه منتقدان پنهان مانده است این مزایا را می­توان در قسمت بعدی (دیدگاههای محافظه کاری) خلاصه کرد.

ﺳﺮﻣﺎﯾﻪﮔﺬاران ﺑﻪﻋﻨﻮان اﺻﻠﯽ ﺗﺮﯾﻦ ﺗﺄﻣﯿﻦ ﮐﻨﻨﺪﮔﺎن ﻣﻨﺎﺑﻊ ﺷﺮﮐﺘﻬﺎ ﻣﺘﻘﺎﺿﯽ اﻃﻼﻋـﺎت ﮐﺎﻣﻞ و درﺳﺖ ﺷﺮﮐﺖ ﻫﺎﻫـﺴﺘﻨﺪ. اﻃﻼﻋـﺎت ﺣـﺴﺎﺑﺪاری در ﺻـﻮرﺗﻬﺎی ﻣـﺎﻟﯽ ﻣﺘﺠﻠـﯽ ﻣﯽﮔﺮدد، ﺳﺮﻣﺎﯾﻪﮔﺬاران ﻫﻤﯿﺸﻪﺑﻪ ﻃـﻮر ﺛﺎﺑـﺖ و ﯾﮑﻨﻮاﺧـﺖ از اﻃﻼﻋـﺎت ﺣـﺴﺎﺑﺪاری اﺳﺘﻔﺎده ﻣﯽ ﮐﻨﻨﺪ ﺑﺪون آﻧﮑﻪاﯾﻦ اﻃﻼﻋﺎت را ازﻧﻈﺮ ﺗﻐﯿﯿـﺮات اﻧﺠـﺎم ﺷـﺪهدرروﺷـﻬﺎی ﺣﺴﺎﺑﺪاری ﺗﻌﺪﯾﻞ ﮐﻨﻨﺪ و ﯾﺎ ﺑﻪﻧﺤﻮه ﻣﺤﺎﺳﺒﻪآن ﺗـﻮﺟﻬﯽ داﺷـﺘﻪﺑﺎﺷـﻨﺪ (ﻫﻨﺪرﯾﮑـﺴﻮن،1982،ص 15).

ﻣﺪﯾﺮﯾﺖ اﻧﮕﯿﺰه دارد ﺑﺎ ﺑﻪﮐﺎرﮔﯿﺮی روﯾـﻪﻫـﺎی ﻏﯿـﺮ ﻣﺤﺎﻓﻈـﻪﮐﺎراﻧـﻪ ﺣﺴﺎﺑﺪاری،رﺷﺪ ﺳﻮد ﺷﺮﮐﺖ را ﺛﺒﺎت ﺑﺨﺸﺪ. اﯾﻦ اﻣﺮ ﺑﺎﻋﺚ اﻓﺰاﯾﺶ اﻧﺘﻈﺎر ﺳﻬﺎﻣﺪاران از ﺷﺮﮐﺖ در ﺳﻨﻮات آﺗﯽ ﻣﯽ ﮔﺮدد( واﺗﺰ2003).

در ﺣﺴﺎﺑﺪاری ﺳﻨﺘﯽ ﻣﺤﺎﻓﻈﻪﮐﺎری ﺑﻪﻋﻨﻮان ﺷﻨﺎﺳﺎﯾﯽ ﺳﺮﯾﻊ زﯾﺎن ﻫﺎ و ﺷﻨﺎﺳـﺎﯾﯽ ﺑـﺎﺗﺄﺧﯿﺮ ﺳﻮدﻫﺎ ﺗﻌﺮﯾﻒ ﺷﺪه اﺳﺖ، ﭘﯿﺶﺑﯿﻨﯽ ﺳﻮدﻫﺎ ﺑـﻪﻣﻌﻨـﯽ ﺷﻨﺎﺳـﺎﯾﯽ ﺳـﻮدﻫﺎ ﭘـﯿﺶ از وﺟﻮد ادﻋﺎی ﻗﺎﻧﻮﻧﯽ ﻧﺴﺒﺖ ﺑﻪدرآﻣﺪﻫﺎﯾﯽ ﮐﻪﻣﻮﺟﺐ اﯾﺠﺎدآﻧﻬﺎ ﺷﺪه و ﺗﺄﯾﯿﺪﭘـﺬﯾﺮ ﺑـﻮدن آن درآﻣﺪﻫﺎ اﺳﺖ. ﻣﺤﺎﻓﻈﻪﮐﺎری ﺑﯿﺎن ﮔﺮ اﯾﻦ ﻧﯿﺴﺖ ﮐﻪﺗﻤﺎم ﺟﺮﯾﺎنﻫﺎی ﻧﻘﺪی ﻣﺮﺑﻮط ﺑﻪ درآﻣﺪ ﺑﺎﯾﺪ ﭘﯿﺶ از ﺷﻨﺎﺳﺎﯾﯽ ﺳﻮد ـ ﺑﺮای ﻣﺜﺎل ﺷﻨﺎﺳـﺎﯾﯽ ﻓـﺮوشﻫـﺎی ﻧـﺴﯿﻪ درﯾﺎﻓـﺖ ﺷﻮﻧﺪ، ﺑﻠﮑﻪﺑﺎﯾﺪ اﯾﻦ ﺟﺮﯾﺎﻧﻬﺎی ﻧﻘﺪی ﺗﺄﯾﯿﺪﭘﺬﯾﺮ ﺑﺎﺷـﻨﺪ.درادﺑﯿـﺎت ﺗﺠﺮﺑـﯽ اﯾـﻦ ﺿـﺮب اﻟﻤﺜﻞ ﺑﻪ ﺻﻮرت « ﺗﻤﺎﯾﻞ ﺣﺴﺎﺑﺪاران ﺟﻬﺖ ﻧﯿﺎزﺑﻪ درﺟﻪ ﺑﺎﻻﺗﺮی ازﺗﺎﯾﯿﺪ ﭘـﺬﯾﺮی ﺑـﺮایﺷﻨﺎﺳﺎﯾﯽ اﺧﺒﺎر ﺧﻮب ﺑﻪﻋﻨﻮان ﺳﻮد، ﻧﺴﺒﺖ ﺑﻪ ﺷﻨﺎﺳﺎﯾﯽ اﺧﺒﺎرﺑﺪ ﺑﻪﻋﻨﻮان زﯾﺎن » ﺗﻔﺴﯿﺮ ﺷﺪه اﺳﺖ ( ﺑﺎﺳﻮ،1997، ص7 ).

ﻣﺤﺎﻓﻈﻪﮐﺎری درﺟـﻪﺗﺎﯾﯿﺪﭘـﺬﯾﺮی ﻧﺎﻣﺘﻘـﺎرﻧﯽ را ﺑـﺮای ﺷﻨﺎﺳﺎﯾﯽ ﺳﻮدﻫﺎ و زﯾﺎن ﻫﺎ ﺿﺮوری ﻣﯽداﻧﺪ. ﺑﺎ اﯾﻦ ﺗﻔﺴﯿﺮ ﻣـﯽ ﺗـﻮان ﻣﺤﺎﻓﻈـﻪﮐـﺎری را درﺟﻪﺑﻨﺪی ﻧﻤﻮد. ﺑﺪﯾﻦ ﻣﻌﻨﯽ ﮐﻪﻫﺮ ﭼﻪﺗﻔﺎوت درﺟـﻪﺗﺎﯾﯿـﺪ ﭘـﺬﯾﺮی ﻣـﻮردﻧﯿـﺎزﺑـﺮای ﺳﻮدﻫﺎ ﺑﯿﺸﺘﺮ اززﯾﺎن ﻫﺎ ﺑﺎﺷﺪ ﻣﺤﺎﻓﻈﻪﮐﺎری ﻧﯿﺰ ﺑﯿﺸﺘﺮ ﺧﻮاﻫﺪ ﺑﻮد. ﺑﻪاﯾﻦ ﮔﻮﻧﻪﺗﻔﺴﯿﺮ از ﻣﺤﺎﻓﻈﻪﮐﺎری « ﺗﺎﯾﯿﺪﭘﺬﯾﺮی ﻣﺘﻔﺎوت »ﮔﻔﺘﻪﻣﯽ ﺷﻮد(ﮐﺮدﺳﺘﺎﻧﯽ و اﻣﯿﺮ ﺑﯿﮕﯽ، 1387).

ﻣﺤﺎﻓﻈﻪﮐﺎری در ﺣﺴﺎﺑﺪاری ﺑﻪﻣﻌﻨﺎی ﺗﺎﯾﯿﺪ ﭘﺬﯾﺮی ﻣﺘﻔﺎوت اﺧﺒﺎر ﺧﻮب و ﺑﺪ اﺳﺖ، ﻣﻨﻈﻮرازاﺧﺒﺎر ﺧﻮب ﺑﺎزده ﻣﺜﺒﺖ ﺳﻬﺎم ﯾﺎروﯾﺪادﻫﺎﯾﯽ اﺳﺖ ﮐﻪﻣﻨﺠﺮ ﺑـﻪاﻓـﺰاﯾﺶ ﺳـﻮد ﻣﯽ ﺷﻮﻧﺪ، و ﻣﻨﻈﻮر از اﺧﺒﺎر ﺑﺪ ﺑﺎزده ﺻﻔﺮ ﯾﺎ ﻣﻨﻔﯽ ﺳﻬﺎم اﺳﺖ ﮐﻪﻣﻨﺠﺮ ﺑﻪﮐـﺎﻫﺶ ﺳـﻮد ﻣﯽ ﺷﻮﻧﺪ ، ﮐﻪﺑﺪﯾﻦ ﺗﺮﺗﯿـﺐ ﻣﺤﺎﻓﻈـﻪﮐـﺎری را روﯾـﻪﮐـﺎﻫﺶ ﺳـﻮد و ﮐﻤﺘـﺮ ﻧـﺸﺎن دادن داراﯾﯽ ﻫﺎدرﭘﺎﺳﺦ ﺑﻪاﺧﺒـﺎرﺑـﺪ و درﻣﻘﺎﺑـﻞ ﻋـﺪم اﻓـﺰاﯾﺶ ﺳـﻮد و ﺑﯿـﺸﺘﺮ ﻧـﺸﺎن دادن داراﯾﯽ ﻫﺎ درﻣﻘﺎﺑﻞ اﺧﺒﺎر ﺧﻮب ﺗﻌﺮﯾﻒ ﻧﻤﻮده اﻧﺪ (ﺑﺎﺳﻮ،1997)ﺗﻬﯿﻪ ﺻﻮرت ﻫﺎی ﻣﺎﻟﯽ ﻣﺤﺎﻓﻈﻪﮐﺎراﻧﻪﺑﺮ ﻗﺎﺑﻠﯿﺖ اﺗﮑﺎء اﻃﻼﻋﺎت ﺣﺴﺎﺑﺪاری ﻣﯽ اﻓﺰاﯾﺪ، ﻣﺤﺎﻓﻈﻪﮐﺎری ﺗﻮاﻧﺎﯾﯽ ﺳﻮد ﺣﺴﺎﺑﺪاریﺑﺮای اﻧﻌﮑﺎس ﺳﻮداﻗﺘﺼﺎدی( ﺑﺎزده ﻣﺜﺒـﺖ ﺳـﻬﺎم )و زﯾﺎن اﻗﺘﺼﺎدی ( ﺑﺎزده ﻣﻨﻔﯽ ﺳﻬﺎم) راﻧﺸﺎن ﻣﯽ دﻫﺪ. ﺗﺄﮐﯿﺪ ﻣﺤﺎﻓﻈﻪﮐﺎریﺑﺮ ﺗﻤـﺎﯾﺰ ﻗﺎﺋـﻞ ﺷﺪن ﺑﯿﻦ ﺑﺎزده ﻣﺜﺒﺖ و ﻣﻨﻔﯽ ﺳﻬﺎم( ﺳﻮد و زﯾﺎن اﻗﺘﺼﺎدی) اﺳﺖ ( ﺑﺎﺳﻮ،1997)

اﻧﺘﻈﺎر ﻣﯽ رود اﻃﻼﻋﺎت ﺑﺎ ﮐﯿﻔﯿﺖ ﺑﺎﻻﺗﺮ اﺛﺮ ﻣﻄﻠﻮﺑﯽ ﺑﺮ اﻧﺘﻈﺎرات ﺳـﺮﻣﺎﯾﻪﮔـﺬاران از ﺑﺎزده ﻣﻮرد اﻧﺘﻈﺎر (ﻫﺰﯾﻨﻪ ﺳﺮﻣﺎﯾﻪ) داﺷﺘﻪﺑﺎﺷﺪ.ﻫﺰﯾﻨﻪ ﺳﺮﻣﺎﯾﻪ ﯾﮑﯽ از ﻣﺘﻐﯿﺮﻫﺎی ﻣـﻮﺛﺮ در ﻣﺪل ﻫﺎی ﺗﺼﻤﯿﻢ ﮔﯿﺮی اﺳﺖ و ﺑﻪﻋﻨﻮان ﺑﺎزده ﻣﻮرداﻧﺘﻈﺎر ﺳﻬﺎﻣﺪاران ﺗﻌﺮﯾﻒ ﻣﯽ ﺷﻮد. ﻋﺒﺎرت دﯾﮕﺮ ﻫﺰﯾﻨﻪ ﺳﺮﻣﺎﯾﻪﺑﻪ ﺣﺪاﻗﻞ ﻧﺮخ ﺑﺎزدﻫﯽ ﮐﻪ ﺷﺮﮐﺖ ﺑﺎﯾﺪ ﺑﺪﺳﺖ آورد ﺗﺎ ﺑـﺎزده ﻣﻮرد ﻧﻈﺮ ﺳﺮﻣﺎﯾﻪﮔﺬاران در ﺷﺮﮐﺖ ﺗﺄﻣﯿﻦ ﺷﻮدﮔﻔﺘﻪﻣﯽ ﺷﻮد. در واﻗﻊ اﮔﺮ ﻧـﺮخ ﺑـﺎزدهﺳﺮﻣﺎﯾﻪﮔﺬاری ﯾﮏ ﺷﺮﮐﺖ از ﻫﺰﯾﻨﻪ ﺳﺮﻣﺎﯾﻪاش ﺑﯿﺸﺘﺮ ﺑﺎﺷﺪ، ﺛﺮوت ﺳﻬﺎﻣﺪاران اﻓﺰاﯾﺶ ﺧﻮاﻫﺪ ﯾﺎﻓﺖ. ﺑﻨﺎﺑﺮاﯾﻦ در ﺻﻮرﺗﯽ ﮐﻪ ﺷﺮﮐﺖ ﻫﺎﻫﺰﯾﻨﻪ ﺳﺮﻣﺎﯾﻪﭘﺎﯾﯿﻦ ﺗﺮی راﺗﺠﺮﺑﻪﮐﻨﻨﺪ،ﻣﯽﺗﻮاﻧﻨﺪ ﭘﺮوژهﻫﺎی ﺳﺮﻣﺎﯾﻪﮔﺬاری ﺑﯿﺸﺘﺮی را ﺑﭙﺬﯾﺮﻧﺪ. ازآﻧﺠﺎ ﮐـﻪﻣﺤﺎﻓﻈـﻪﮐـﺎری از ﺟﻤﻠﻪﻋﻮاﻣﻞ ﻣﻮﺛﺮ ﺑﺮﮐﯿﻔﯿﺖ اﻃﻼﻋﺎت ﺣﺴﺎﺑﺪاری اﺳﺖ ﻟﺬا ﻣﯽ ﺗﻮان ﻧﺘﯿﺠﻪﮔﺮﻓﺖ ﮐـﻪﺑـﺎ اﻓﺰاﯾﺶ ﻣﯿﺰان ﻣﺤﺎﻓﻈﻪﮐﺎری ﻫﺰﯾﻨﻪ ﺳﺮﻣﺎﯾﻪﮐﺎﻫﺶ ﻣﯽ ﯾﺎﺑﺪ.

# 2-4 . ﻣﻌﯿﺎرﻫﺎی ﻣﺤﺎﻓﻈﻪ ﮐﺎری

ﻣﺤﻘﻘﺎن از ﺳﻪﻧﻮع ﻣﻌﯿﺎر، ﺑﺮای ارزﯾﺎﺑﯽ ﻣﺤﺎﻓﻈﻪﮐﺎری اﺳﺘﻔﺎده ﻣﯽ ﮐﻨﻨﺪ:

اول- ﻣﻌﯿﺎرﻫﺎی ﺧﺎﻟﺺداراﯾﯽﻫﺎ ؛

دوم- ﻣﻌﯿﺎرﻫﺎی ﺳﻮد و اﻗﻼمﺗﻌﻬﺪی و

ﺳﻮم- ﻣﻌﯿﺎرﻫﺎی راﺑﻄﻪ ﺳﻮد/ ﺑﺎزده ﺳﻬﺎم.

ﺗﻤﺎم اﯾﻦ ﻣﻌﯿﺎرﻫﺎ ﺑﺮ اﺛﺮ ﻋﺪم ﺗﻘﺎرن زﻣﺎﻧﯽ در ﺷﻨﺎﺳﺎﯾﯽ ﺳﻮد و زﯾﺎن ﻫﺎی ﺣـﺴﺎﺑﺪاری ﮔﺰارش ﺷﺪه ﺑﻪ وﯾﮋه ﺧﺎﻟﺺداراﯾﯽ ﻫﺎ، ﺳﻮد و اﻗﻼمﺗﻌﻬﺪی اﺳﺘﻮارﻧﺪ (ﮐﺮدﺳﺘﺎﻧﯽ و اﻣﯿﺮﺑﯿﮕﯽ،1387).

# 2-5 . راﺑﻄﻪ ﻣﺤﺎﻓﻈﻪ ﮐﺎری و ﻫﺰﯾﻨﻪ ﺳﺮﻣﺎﯾﻪ

درﯾﮏ ﺣﺎﻟﺖ ﺗﻌﺎدﻟﯽ، ﻣﻘﺪار و ﮐﯿﻔﯿﺖ اﻃﻼﻋﺎت ﺑﺮ ﻗﯿﻤﺖ داراﺋﯽ ﻫﺎ ﺗﺎﺛﯿﺮ ﻣﯽ ﮔـﺬارد و ﺳﺮﻣﺎﯾﻪﮔﺬاران ﺑﺎزده ﺑﺎﻻﺗﺮی را ﺑﺮای ﻧﮕﻬﺪاری ﺳـﻬﺎم ﺧـﻮد در ﺷـﺮاﯾﻂ وﺟـﻮدﻋـﺪم ﺗﻘﺎرن اﻃﻼﻋﺎﺗﯽ ﻣﻄﺎﻟﺒﻪﻣﯽ ﮐﻨﻨﺪ.درزﻣﺎن وﺟﻮدﻋﺪمﺗﻘﺎرن اﻃﻼﻋـﺎﺗﯽ، ﺳـﺮﻣﺎﯾﻪﮔـﺬاران ﻏﯿﺮ ﻣﻄﻠﻊ ﺑﺎ ﻧﮕﻬﺪاری ﺳﻬﺎم، ﺧﻮدرادرﻣﻌﺮض رﯾﺴﮏ ﺑﺎﻻﺗﺮی ﻗﺮارﻣﯽ دﻫﻨﺪ زﯾﺮا آﻧﻬـﺎ ﺗﻮاﻧﺎﯾﯽ ﮐﻤﺘﺮی ﺑﺮای ﻫﻤﺎﻫﻨﮓ ﺳﺎزی ﺳﺒﺪ ﺳﺮﻣﺎﯾﻪﮔﺬارﯾﺸﺎن ﺑـﺎ اﻃﻼﻋـﺎت ﺟﺪﯾـﺪ ﺛﺒـﺖﺷﺪه دارﻧﺪ ﺑﻨﺎﺑﺮﯾﻦ ﻣﺘﻘﺎﺿﯽ ﻧﺮﺧﻬﺎی ﺑﺎﻻﺗﺮ ﺑﺎزدهﻫﺴﺘﻨﺪ ( اﻟﺴﯽ و اﻫﺎرو،2004). ﯾﮑـﯽ از راهﻫﺎﯾﯽ ﮐﻪ ﺷﺮﮐﺖ ﺑﺮ ﺗﻌﺎدل ﻧﺮخ ﺑﺎزده ﺧﻮداﺛﺮ ﻣﯽ ﮔﺬارد، از ﻃﺮﯾﻖ ﺗﻌﺪﯾﻞ روﯾـﻪﻫـﺎی ﺣﺴﺎﺑﺪاری ﺷﺮﮐﺖ اﺳﺖ.

# 2-6 . ﭘﯿﺎﻣﺪ ﻫﺎی ﻣﺤﺎﻓﻈﻪ ﮐﺎری

دراﺑﺘﺪا ﻣﺤﺎﻓﻈﻪﮐﺎری ﺑﺎﻋﺚ ﺗﺨﺼﯿﺺﺑﻬﯿﻨﻪﻣﻨﺎﺑﻊ ﺑﻪدو ﺻﻮرت ﻣﯽ ﺷﻮد:

ﮔﺰارﺷﻬﺎی ﻣﺎﻟﯽ ﻣﺤﺎﻓﻈﻪﮐﺎراﻧﻪﺑﺎﻋﺚ ﻣﯽ ﺷﻮد ﺗﺎ ﺳﺮﻣﺎﯾﻪﮔﺬاران ﺑﯿﻦ ﭘﺮوژهﻫـﺎی ﺳﺮﻣﺎﯾﻪﮔﺬاری ﺧﻮب و ﺑﺪ ﺑﺮ اﺳﺎس ﺳﺒﺪ رﯾﺴﮏ ﺧﻮدﺗﻤـﺎﯾﺰ ﻗﺎﺋـﻞ ﺷـﻮﻧﺪ،ﮐﻪاﯾـﻦ اﻣـﺮ ﺑﺎﻋﺚ ﺗﺨﺼﯿﺺﺑﻬﯿﻨﻪﻣﻨﺎﺑﻊ، و اﻓﺰاﯾﺶ ﮐﺎراﯾﯽ ﺑﺎزار ﺳﺮﻣﺎﯾﻪﻣﯽ ﮔﺮدد.

ﻣﺤﺎﻓﻈﻪﮐﺎری ﺑﺎﻋﺚ ﮐﺎﻫﺶ ﮔﺮاﯾﺶ ﻣﺪﯾﺮان ﺑﺮای ﺳﺮﻣﺎﯾﻪﮔﺬاری درﭘﺮوژهﻫـﺎﯾﯽ ﮐــﻪ ﺧــﻮدﺗﻤﺎﯾــﻞ دارﻧــﺪ ﻣــﯽ ﺷــﻮد. ﺑﻨــﺎﺑﺮاﯾﻦ ﻋــﺪمﺗﻘــﺎرن اﻃﻼﻋــﺎﺗﯽ ﺑــﯿﻦ ﻣــﺪﯾﺮان وﺳﺮﻣﺎﯾﻪﮔﺬاران ﮐﺎﻫﺶ ﯾﺎﻓﺘﻪﮐﻪﺑﺎﻋﺚ ﭘﺎﯾﯿﻦ آﻣﺪن ﻫﺰﯾﻨـﻪ ﺳـﻬﺎﻣﺪاران ﺑـﺮای ﻧﻈـﺎرت ﺑـﺮﻣﺪﯾﺮان ﻣﯽ ﺷﻮد.ﻋﺪمﺗﻘﺎرن اﻃﻼﻋﺎﺗﯽ ﻣﻮﺟﺐ ﺑﺮ ﻫﻢ زدن راﺑﻄﻪﺑﯿﻦ ﺳﻬﺎﻣﺪاران و ﺑﺮ ﻫﻢ زدن راﺑﻄﻪﺑﯿﻦ ﻃﺮﻓﯿﻦ ﻗﺮاردادﻣﯽ ﺷﻮد. ﺑﺎ اﻓﺰاﯾﺶ ﻋـﺪمﺗﻘـﺎرن اﻃﻼﻋـﺎﺗﯽ ﺳـﻮداﮐﺜـﺮ ﺷﺮﮐﺘﻬﺎ ﻗﺎﺑﻞ اﺗﮑﺎ ﻧﯿﺴﺖ. ﺑﻪدﻟﯿﻞ ﻫﻤﯿﻦﮐﺎرﮐﺮدﻋﺪم ﺗﻘﺎرن اﻃﻼﻋﺎﺗﯽ اﺳﺖ ﮐﻪروﯾﻪﻫﺎی ﺣﺴﺎﺑﺪاری و ﺣﺴﺎﺑﺮﺳﯽ ﺑﻪدﻧﺒﺎل اﻋﺪادﻣﺤﺎﻓﻈﻪﮐﺎراﻧﻪﻫﺴﺘﻨﺪ.

ازآﻧﺠﺎﯾﯽ ﮐﻪ ﻣﺤﺎﻓﻈﻪﮐﺎری ﺑﺎﻋﺚ ﮐﺎﻫﺶ ﻋﺪمﺗﻘﺎرن اﻃﻼﻋﺎﺗﯽ ﻣﯽ ﺷﻮد، ﻣﻨﺎﻓﻊ ﻣﻮرد اﻧﺘﻈﺎر و ﻓﺮﺻﺖ ﻃﻠﺒﯽ ﺳﺮﻣﺎﯾﻪﮔﺬاران آﮔﺎه ازداﺧﻞ ﺷﺮﮐﺖ را ﮐﺎﻫﺶ ﻣﯽ دﻫﺪ.درﻧﺘﯿﺠﻪ ﺑﺎﻋﺚ ﮐﺎﻫﺶ رﯾﺴﮏ اﻃﻼﻋﺎﺗﯽ ﺑﺮای ﺳﺮﻣﺎﯾﻪﮔـﺬاران ﻏﯿـﺮ ﻣﻄﻠـﻊ ﻣـﯽ ﮔـﺮدد(ﻻﻓﻮﻧـﺪ و واﺗﺰ،2007 ). ﺑﺪﯾﻦ ﺗﺮﺗﯿﺐ، اﯾـﻦ ﻣـﺴﺎﺋﻞ ﺑﺎﻋـﺚ اﻓـﺰاﯾﺶ ﺳـﺮﻣﺎﯾﻪﮔـﺬاری در ﺷـﺮﮐﺖ، اﻓﺰاﯾﺶ ﻗﺪرت ﻧﻘﺪﯾﻨﮕﯽ و ﮐﺎﻫﺶ ﺑﻬﺎی ﺗﻤﺎم ﺷﺪه ﻣﻌﺎﻣﻼت ﻣﯽ ﺷﻮد.

ﺑﻨﺎﺑﺮاﯾﻦ، اﻧﺘﻈﺎرﻣﯽ رود ﻣﺤﺎﻓﻈﻪﮐﺎری ﺑﻪﻋﻨﻮان ﯾﮑﯽ از وﯾﮋﮔﯿﻬﺎی ﺳﻮد ﻣﻮرد ﺗﻮﺟـﻪ ﺳﺮﻣﺎﯾﻪﮔﺬاران ﺑﺎﺷﺪ ﮐﻪﺑﺎﻋﺚ اﻓﺰاﯾﺶ ﮐﯿﻔﯿﺖ اﻃﻼﻋﺎت ﺣﺴﺎﺑﺪاری ﺷـﺪه و ﭘـﯿﺶ ﺑﯿﻨـﯽ ﻣﯽ ﺷﻮدﯾﮏ راﺑﻄﻪﻣﻨﻔﯽ ﺑﯿﻦ ﻣﺤﺎﻓﻈﻪﮐﺎری و ﻫﺰﯾﻨﻪ ﺳﺮﻣﺎﯾﻪ وﺟﻮدداﺷﺘﻪﺑﺎﺷﺪ.

# 2-7. دیدگاههای محافظه کاری

سوال اساسی در رابطه با محافظه کاری این است که دلیل به کار گیری محافظه کاری چیست؟ و چه مزایایی برای شرکتها دارد؟ اندشمندان حسابداری اغلب پاسخ سولات ذکر شده را در قالب دیدگاه بیان کردند. در ادامه به بیان این دیدگاها پرداخته می­شود. [[5]](#footnote-5)

قراردادهای بین شرکت و اشخاصی مانند مدیران و همچنین قراردادهایی که بین شرکت و طرف­های خارج از شرکت وجود دارد(دیدگاه قراردادی محافظه کاری)

دیدگاه دعاوی حقوقی(دیدگاه حداقل سازی تعهدات سهامداران)

دیدگاه تقاضای منظم محافظه کاری

ارتباط بین سود گزارش شده و مالیات(دیدگاه مالیاتی محافظه کاری)

ارتباط بین سود گزارش شده و هزینه­های سیاسی(دیدگاه هزینه­های سیاسی و محافظه کاری)

ارتباط بین رقابت در بازار و میزان اطلاعات گزارش شده (دیدگاه رقابت در بازار)

واتس(2003)، ریشه حسابداری محافظه­کارانه در گزارشگری مالی را دلایل اقتصادی می­داند و چهار دیدگاه اول را عامل اتخاذ رویکرد محافظه کارانه می­داند. از نظر واتس(2003) دیدگاه قراردادی سابقه طولانی در حسابداری دارد و قدمت آن از دیگر دیدگاه­ها بیشتر است. در حالی که دیدگاه دعاوی حقوقی از سال 1960 میلادی و به دنبال افزایش دعاوی حقوقی سهامداران در آمریکا به وجود آمده است، دیدگاه مالیاتی از سال 1909 به دنبال تلا­ش­هایی که واحد­های اقتصادی برای کمتر نشان دادن مالیات در آمریکا انجام می­دادند ارائه شد و دیدگاه تقاضای منظم محافظه کاری به دنبال الزامات کمسیون بورس اوراق بهادار آمریکا [[6]](#footnote-6) در سال­های 1933 و 1934 برای گزارشگری مالی به وجود آمد.

# *2-7-1. دیدگاه قراردادی*

واتس و زیمرمن(1986) معتقدند که انعقاد قرارداد موجب ایجاد هزینه­های نمایندگی است. مشکل زمانی به وجود می­آید که مدیریت دوست دارند در پروژه ای سرمایه گذاری کنند که ریسک آنها بیشتر است، زیرا انتظار بازدهی نیز بیشتر است. در قراردادهای بدهی بازده مازاد برای شرکت است و بستانکاران سهمی در این سود مازاد نخواهند داشت و وقتی پروژه ها زیان ده باشند عواقب اصلی این زیان متوجه اعتباردهنگان خواهد بود. جستجو برای دستیابی به نوعی ساز و کار جهت کاستن این هزینه­ها منجر به تقاضا برای خدمات حسابداری به عنوان ابزاری مؤثر در فرآیند قراردادهای واحد تجاری شده است. بیشتر قراردادهای واحد اقتصادی با اشخاص حقیقی و حقوقی بر مبنای ارقام حسابداری تنظیم می­گردد، تا هزینه­های نمایندگی کاهش پیدا کند. به موقع بودن، تأئید­پذیری و عدم­تقارن در تأئید پذیریِ ارقام حسابداری( اخبار خوب و بد) از اهمیت برخوردار است و اعمال محافظه کاری را می­طلبد. برای مثال، محافظه کاری می ­تواند رفتار فرصت­طلبانه مدیران را در گزارشگری شاخص­های حسابداری مورد استفاده در قرار­دادها محدود نماید. تا زمانی که برای گزارشگری عملکرد مدیریت از معیار­ها و شاخص­های حسابداری استفاده می شود، مشکلات اخلاقی همواره در گزارشگری مالی وجود خواهد داشت(واتس، 2003).

مدیران برای افزایش منافع شخصی خود در استفاده از معیار­های حسابداری که مبنای اطلاع­رسانی برای سرمایه­گذاران است، جانبدارانه عمل می کنند و در ارسال اطلاعات اختلال ایجاد می­نمایند. اگر محدودیت­هایی که این رفتار فرصت­طلبانه مدیر را محدود کند، وجود نداشته باشد در آن صورت، ارقام حسابداری موجود در گزارشگری مالی، جانبدارانه تهیه و ارائه خواهد شد. اما محافظه کاری به وسیله ملزم کردن به قابلیت تأئید بیشتر، رفتار فرصت­طلبانه و جانبدارانه را محدود می کند. در عمل، محافظه کاری در حسابداری، رفتار جانبدارانه مدیر را خنثی کرده و شناسایی سود را به تأخیر می اندازد. در قراردادها، اثرات مزبور ارزش شرکت را افزایش می دهد، زیرا محافظه کاری پرداخت­های نادرست مدیر به خود و سایر گروه­ها نظیر سهامداران را محدود می کند. ارزش افزایش یافته­ی شرکت میان همه گروه­های طرف قرار­داد تقسیم شده و رفاه همه گروه­ها افزایش می یابد(واتس، 2003). به نظر واتس دیدگاه قراردادی با اهمیت ترین دیدگاه ارائه شده برای محافظه کاری است، زیرا اصلی­ترین منبع محافظه کاری به شمار می رود.

# *2-7-2. دیدگاه دعاوی حقوقی*

در صورتی که خالص ارزش دارایی­ها بیشتر از واقع گزارش شوند احتمال شکل گیری دعاوی حقوقی علیه شرکت و حسابرسان، بیشتر از مواقعی خواهد بود که خالص ارزش دارایی­ها کمتر از واقع گزارش شوند. بیشتر گزارش کردن دارایی­ها خطرات خاص خود را دارد که ساده ترین آن اتهام تقلب در دفتر داری خواهد بود. برخی از صاحبنظران، بکار­گیری رویه­های حسابداری محافظه­کارانه در فعالیت­های مربوط به اوراق­بهادار به دلیل اجتناب از مطرح شدن دعاوی حقوقی علیه شرکت­ها را مفید می دانند. (واتس، 2003) معتقد است که دعاوی حقوقی معمولاً زمانی مطرح می شود که سود خالص و خالص دارایی­های واحد تجاری، بیش از حد گزارش شده باشد. لذا اتخاذ رویکرد محافظه­کارانه با کاستن از سود خالص و در نتیجه خالص دارایی­های گزارش شده، دعاوی حقوقی علیه شرکت و حسابرسان شرکت را به حداقل می­رساند.

# *2-7-3. دیدگاه تقاضای منظم محافظه کاری*

عامل دیگر برای اتخاذ سیاست­های محافظه­کارانه تقاضای منظم آن است. واتس(2003) معتقد است که ضرر ناشی از ارزیابی بیش از واقع نشان دادن داراییها و سود، بیشتر مشاهده می شود. این پدیده انگیزه­هایی را برای قانون­گذاران و استاندارد­گذاران فراهم می آورد تا آنها همچنان محافظه­کار باقی بمانند. ازجمله مهمترین این مشکلات بیش نمایی ارزش اوراق بهادار در بازار بورس خواهد بود. زیرا با بیش نمایی مدیران، انتظارات بازار سرمایه از عملکرد آتی واحدهای تجاری به صورت کاذب بالا می­رود و در صورت ادامه این روند و باب شدن آن در کل اقتصاد کشورها، به یک باره بحرانهای مالی اتفاق می­افتد. لذا، برای جلوگیری از وقوع چنین بحرانهایی دولت­ها مسئولیت دارند و آنها نیز به نوبه خود این مسئولت­ها را به نهادهای تدوین کننده­ی استانداردهای حسابداری سپرده­اند. برای این منظور تهیه کنندگان استاندارهای حسابداری در تدون استاندارها محافظه­کارانه عمل می­کنند. با این حال به نظر می­رسد هیات استاندارهای حسابداری بین­المللی سطح محافظه کاری را کاهش داده و بر گزارش­گری بر حسب ارزش منصفانه تاکید دارد نوپس[[7]](#footnote-7) (2010).

# *2-7-4. دیدگاه مالیاتی*

دلیل دیگری برای محافظه کاری کم­نمایی سود حسابداری است. برای اینکه سود حسابداری در تعیین میزان نرخ مالیات اثر اجتناب ناپذیر دارد. سود حسابداری کمتر، هزینه مالیاتی کمتر را نیز به دنبال خواهد داشت. واتس(1977) و واتس و زیمرمن(1986) دریافتند که به لحاظ الزام خزانه داری آمریکا، استهلاک داراییها در شرکت­های آمریکایی محاسبه و به عنوان هزینه­ جاری ثبت شده و در صورت­های مالی گزارش می شود. پذیرش گسترده­ این الزام منجر به اصلاح قانون مالیات­ها سال 1907 گردید که سرآغازی برای اصلاحیه قانون مالیاتی سال 1913 میلادی بود (واتس، 2003).

شکلفورد و شولین[[8]](#footnote-8)(2001) اظهار دارند که مالیات این انگیزه را ایجاد می کند که سود حسابداری گزارش شده کمتر از واقع باشد. مادامی که شرکت سودآور و نرخ سود مالیاتی مثبت باشد، می­توان با به تعویق انداختن شناسایی سود، ارزش فعلی مالیات را کاهش داده و ارزش خالص دارایی­ها را کمتر گزارش کرد. به این ترتیب مالیات بر درآمد به عنوان توجیهی برای محافظه کاری تلقی گردیده است.

# *2-7-5. دیدگاه هزینه­های سیاسی*

واتس و زيمرمن( 1986 ) بيان كرده اند كه صاحبان قدرت انگيزه دارند كه براي انتقال ثروت از شركت­ها به خودشان يا ساير ذينفعان موضع بگيرند. اين مواضع به شكل الزام بعضي از شركت­ها به پرداخت مبالغي براي موارد اجتماعي نظیر (آلودگي محيط زيست، زلزله و جنگ )؛ تحميل نرخهاي مالياتی بالاتر يا محروم كردن آنها از بعضي از مزايا و حقوق صورت مي­باشد. هزينه هاي تحميل شده به شركت ها تابعي از قدرت سود آوری و اندازه آن­ها است، زيرا شركت هاي كوچك تر كمتر مورد توجه هستند و درنتیجه كمتر در معرض انتقال سياسي ثروت واقع مي­شوند. به عبارت دیگر شركتهاي بزرگ و موفق­تركه تحت فشارهاي سياسي هستند، انگيزه بيشتري براي استفاده از رويه هاي كاهنده سود خالص و در نتيجه حسابداري محافظه­كارانه دارند.

يكي از مصاديق اصلي انتقال ثروت به خارج از شركت هزينه­هاي سياسي است كه شركت ها به دليل وجود هزينه­هاي اطلاعات، مبادلات، و رايزني از سوي گروه هاي تصميم گيرنده و قانونگذار كه اصلي­ترين آنها نهادهاي دولتي مي باشند، تحمل مي كنند. برخي از شركت ها با مشخصات اقتصادي خاص، بيشتر موضوع قوانين سختي كه دولت يا ساير گروه هاي قانونگذار وضع مي­كنند و هزينه در پي دارند قرار مي گيرند و بنابراين، براي فرار از اين گونه هزينه­ها (عواقب اقتصادي)، انگيزه بيشتري براي استفاده از گزارشگري در جهت كاهش خروج منافع از شركت خواهند داشت.

ایتردیز (2011) در اظهار نظری در مقابل دیدگاه هزینه سیاسی واتز و زیمرمن(1986) بیان می­کند که در شرکتهای کوچک و تازه تاسیس عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و ذی­نفعان بیشتر سایر شرکتها است. از آنجا که محافظه کاری ابزای برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش کیفیت اطلاعات مالی محسوب می­شود، لذا سطح محافظه کاری در شرکتهای کوچک و تازه تاسیس بیشتر از سایر شرکتها خواهد بود.

# *2-7-6. رقابت در بازار*

رقابت در بازار از دیگر عوامل تقاضای محافظه کاری است. بدین گونه که با افزایش رقابت در بازار رقبای موجود در یک صنعت خاص برای جلوگیری از ورود رقبای جدید یا انتشار اطلاعات محرمانه به رقبا موجود محافظه کاری در گزارش­گری مالی را در پیش خواهند گرفت. بدین معنی ­که آنان اخبار و علائم بد و نامساعد در رابطه با عواملی چون حجم تقاضا، بهای تمام شده و قیمتهای فروش را برجسته کرده و اخبار و علائم خوب و مساعد را پوشش می­دهند. با توجه به اینکه رقبای بالقوه در صدد سرمایه­گذاری در صنایع با کمترین میزان ریسک و کسب بیشترین بازده هستند، در صورتی که صنایعی چنین ویژگی­هایی را داشته باشد سریع وارد خواهند شد. برای جلوگیری از تهدیدات ورود رقبا، فعالین صنعت محافظه کاری در گزارشگری مالی را در پیش می­گیرند. هر چند با این اقدام انتظارات بازار سرمایه از عملکرد آتی خود را پایین نگه می­دارند (داروغ و استاغتون 1990و ایوانس و اسریدهار 2002).

# 2-8.انواع محافظه کاری

تقاضا برای محافظه کاری از منابع مختلف صورت می­گیرد بر اساس یافته­های باسو(1997) بدهکاران و سایر اعتبار دهندگان خواستار ارائه اطلاعات به موقع­تر در رابطه با اخبار بد در مقایسه با اخبار خوب هستند. بال و همکاران[[9]](#footnote-9) (2000) بیان می­نمایند که محافظه کاری سود و زیانی، متفاوت از محافظه کاری ترازنامه­ای است. جانبداري در ارائه­ كمتر از واقع ارزش دفتري سهام نسبت به ارزش بازار سهام معرف محافظه­كاري از ديدگاه ترازنامه­اي است و معيار نسبت ارزش بازار به ارزش دفتري سهام نيز برگرفته از همين تعريف است كه بر پايه مباني منطقي و ساده­اي بنا نهاده شده است و در ادبيات حسابداري از سطح پذيرش عمومي بر خوردار شده است. اما تمايل به تسريع بخشيدن در شناسايي زيان­ها و به تعويق انداختن شناسايي سود­ها معرف محافظه­كاري از ديدگاه سود و زياني است و بر همين اساس باسو در سال 1997 ميلادي معيار عدم تقارن زماني سود را مطرح كرد.

# *2-8-1. محافظه کاری نامشروط*

در تحقیقات اخیر، محافظه کاری را به دو نوع تقسیم کرده اند: نوع اول محافظه کاری پیش­رویدادی[[10]](#footnote-10) است که محافظه کاری مستقل از اخبار است و محافظه کاری نامشروط نیز نامیده می شود. این نوع محافظه کاری بیشتر بر روی ترازنامه اثر گذار بوده و از بکار­گیری آن دسته از استانداردهای حسابداری ناشی می شود که سود را مستقل از اخبار اقتصادی جاری، کاهش می­دهند. برای مثال، شناسایی بدون درنگ مخارج تحقیق و توسعه به عنوان هزینه، حتی در صورتی که جریان­های نقدی مورد انتظار آنها مثبت باشد، از این نوع است. نمونه دیگر مربوط به نحوه مستهلک کردن دارایی­ها می­باشد. ایسه (2002) بیان می­کند که شتاب استهلاک دفتری دارایی­ها بیشتر از شتاب استهلاک اقتصادی آنها است.

# *2-8-2. محافظه کاری مشروط*

نوع دیگری از محافظه کاری، محافظه کاری پس رویدادی[[11]](#footnote-11) است که محافظه کاری وابسته به اخبار، محافظه کاری مشروط و عدم­تقارن زمانی سود نیز خوانده می شود. این نوع محافظه کاری بیشتر بر روی صورت سود و زیان اثر گذار است. بر اساس این نوع محافظه کاری در اثر اخبار ناخوشایند ارزش دفتری دارایی­ها کاهش پیدا می­کند در حالی برای افزایش ارزش دارایی­ها به اخبار خوشایندی با قابلیت تایید بسیار بیشتر نیاز است. تعریف ارائه شده توسط باسو(1997) که محافظه کاری را به عنوان تأئید پذیریِ متفاوت برای شناسایی درآمدها و هزینه­ها در نظر می گیرد، بیانگر محافظه کاری مشروط است. این نوع محافظه کاری به مفهوم شناسایی بموقع­تر اخبار بد نسبت به اخبار خوب در رابطه با سود است. برای مثال شناسایی زیان های برآوردی در پیمان­کاری و عدم شناسایی سود حتی در صورت محتمل بودن ورود منافع اقتصادی به درون واحد تجاری، قاعده­ی اقل بهای تمام شده یا خالص ارزش فروش، حذف سرقفلی در نتیجه­ انجام آزمون کاهش ارزش، و شناسایی نامتقارن زیان­های احتمالی در مقابل سودهای احتمالی از این نوع محافظه کاری هستند. رایان (2006) مفهوم محافظه کاری مشروط را به این صورت بیان می­کند که اخبار خوب (اطلاعاتی که گویای افزایش سودهای آتی باشند) دیرتر از اخبار بد (اطلاعاتی که گویای کاهش سودهای آتی باشند) در صورت­های مالی شناسایی می­شوند. به طور کلی، اصول حسابداری شناسایی کاهش (یا اخبار بد)­ موجودی کالا، سرقفلی و زیان های احتمالی و درآمد پیمانکاری را ایجاب می­کند؛ اما شناسایی افزایش ناشی از اخبار خوب را منع می­کند (پای، درنتون و والکر[[12]](#footnote-12)، 2005). این نوع محافظه کاری بیشتر برای جلوگیری از بزرگ نمایی سود توسط مدیران اتخاذ می­شود و مانع بیشتر گزارش شدن سودها در شرایط نامسائد خواهد شد. مهمترین دلیل برای محافظه کاری مشروط رویه کاملا متفاوت در اصلاح ارزش برآوردی دارایی­ها است.

انگیزه­ اصلی برای محافظه کاری نامشروط، سختی ارزیابی دارایی­ها و بدهی­هاست. در حالی که انگیزه­ی اصلی برای محافظه کاری مشروط، خنثی کردن انگیزه­های مدیران برای گزارشگری اطلاعات حسابداریِ جانبدارانه می باشد. انگیزه­های مشابهی نیز برای این دو نوع محافظه کاری وجود دارد. برای مثال، تابع نامتقارن زیان سرمایه­گذاری باعث می شود اثر منافعی که آنها از سود کسب می کنند کمتر از آسیب­هایی باشد که از زیانی با اهمیتِ مشابه می بینند (بیور و رایان[[13]](#footnote-13)، 2004).

باسو(2005) و کوینگ(2007)[[14]](#footnote-14)بیان می­کنند که تقاضا برای محافظه کاری مشروط به علت وجود قراردادها بین مدیریت و سهامداران و یا سایر افرا د برون سازمانی (دیدگاه قراردادی) و ریسک افزایش دعاوی حقوقی (دیدگاه دعاوی حقوقی ) ایجاد می­شود. همچنین آنها معتقدند که تقاضا برای محافظه کاری نامشروط نیز از دعاوی حقوقی، کاهش مالیات و تقاضای منظم برای محافظه کاری ناشی می­شود. گفته می­شود که محافظه کاری عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و شرکای بازاری شرکت را کاهش می­دهد که خود باعث کاهش ریسک کلی شرکت می­باشد. ایتردیز[[15]](#footnote-15) (2011) بیان می­کند که بین محافظه کاری مشروط و نامشروط ارتباط منفی وجود دارد. بدین معنی که در صورت وجود محافظه کاری نامشروط دیگر محافظه کاری مشروط در کار نخواهد بود. برای مثال، در صورتی که هزینه تحقیق و توسعه به عنوان هزینه و نه دارایی شناسایی شود دیگر در دوره های آتی نیازی به شناسایی زیان کاهش ارزش دارایی ایجاد نمی­شود.

# 2-9. اندازه­گیری محافظه کاری

همانطور که در بالا اشاره شد محافظه کاری از ویژگی­های عمده اطلاعات مالی برای ارائه مفیدتر اطلاعات مالی می­باشد.اما برای اینگونه ویژگی­های کیفی معیار دقیقی جهت اندازه­گیری ارائه نشده است . چهار معيار شناخته شده برای اندازه­گيري محافظه­كاري عبارتند از:

1. معيارعدمتقارن زمانی در شناسایی سود و زیان؛
2. معيارمحافظه­كاري مبتني بر اقلام تعهدي؛
3. معیار چولگي منفي توزيع سود و جريانهاي نقدي؛ و
4. معيارهاي محافظه­كاري مبتني بر ارزش­هاي بازار

# *2-9-1.* *معيار عدم تقارن زمانی در شناسایی سود و زیان*

باسو(1997) محافظه کاری تاییدپذیری متفاوت لازم برای شناسایی درآمدها و هزینه­ها بیان کرد که منجر به کم نمایی سود و دارایی­ها می­شود. مدلي كه او به كار برد داراي دو متغير اصلي است. اين متغيرها شامل بازده حسابداري (نسبت سود قبل از اقلام غیر مترقبه به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در ابتدای دوره) و بازده سهام مي باشد.

باسو(1997)بیان می­کند که بازده حسابداری (نسبت سود قبل از اقلام غیر مترقبه به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در ابتدار دوره) و بازدهی بازار، هر دو معیاری برای اندازه گیری تغییرات ایجاد شده در ثروت سهامداران هستند. به دلیل وجود محافظه کاری مشروط اخبار بد زودتر از اخبار خوب در بازده حسابداری منعکس می­شوند، اما به دلیل متنوع بودن منابع اطلاعاتی بازار، تا حدودی هر دو نوع اخبار خوب و بد در بازدهی بازار منعکس می­شوند. او در ادامه اظهار می­کند که با اندازه گیری تفاوت پاسخ سود نسبت به اخبار خوب و بد می­توان محافظه کاری مشروط را اندازه­گیری کرد. باسودر سال1997 مدل رگرسیونی خود را به صورت ارائه کرد.

.

در این مدل i و t بیانگر شرکت i ام در دوره زمانیt و EARN، بیانگر بازدهی حسابداری می­باشد. RET، حاصل بازدهی سرمایه و بازدهی سود ناشی از خرید و نگهداری اوراق سهام، و DUM،متغیر مصنوعی می­باشد که در صورتی که بازدهی مثبت باشد برابر صفر و برای بازده­های منفی برابر یک خواهد بود. در رابطه­ي رگرسيوني ذکر شده1β پاسخ سود را نسبت به بازده­هاي مثبت اندازه­گيري مي كند.1β +2β پاسخ سود را نسبت به بازده­هاي منفی اندازه­گيري مي كنند. در صورتی که1β +2β بزرگتر از1β باشد یعنی 0<2β ، در این صورت محافظه کاری وجود دارد. زیرا در این صورت پاسخ سود نسبت به اخبار بد (بازدهی منفی)بهتر از پاسخ سود به اخبار خوب ( بازدهی مثبت) می­باشد. باسو ضریب 2β را معیار عدم تقارن زماني سود ناميد. باسو (2005) بیان می­کند که تعریف و مدل ارائه شده وی در سال 1997 محافظه کاری مشروط را اندازه­گیری می­کند.

# *2-9-2. معيار محافظه­كاري مبتني بر ارزش­هاي بازار*

بيون و رايان[[16]](#footnote-16)(2000) مدلی را برای اندازه گیری محافظه کاری با استفاده از تفاوت بین ارزش بازار و ارزش دفتری خالص دارایی­ها ارائه کردند. از منظر آنان، اختلاف ارزش بازار و ارزش دفتري را مي توان به دو بخش دائمي و موقت تقسيم كرد. هر دو بخش به نوعي از اِعمال محافظه­كاري سرچشمه مي­گيرند. بخش دائمي، ناشي از اعمال رويه­هاي محافظه­كارانه براي اندازه­گيري و شناخت اوليه­ اقلام در صورت­هاي مالي است. به سبب وجود اين رويه­هاي محافظه­كارانه، ارزش­هاي دفتري همواره كمتر از ارزش هاي بازار هستند. از جمله اين رويه­ها مي­توان به شناسايي مخارج تحقيق و توسعه به عنوان هزينه و نه دارايي اشاره كرد (محافظه کاری نامشروط). در حالي كه بازار به منافع آينده­ اين گونه مخارج ارزش­هايي را اختصاص مي دهد، ترازنامه­ واحد تجاري به انعكاس آنها نمي­پردازد. بخش موقت نيز ناشی از برخوردهاي محافظه­كارانه در دوره­هاي پس از شناخت اوليه­ اقلام دارايي و بدهي است. در دوره هاي مزبور، با در دسترس قرار گرفتن اطلاعات جديد، زيان­ها و كاهش ارزش­ها به سرعت شناسايي مي شود، ولي افزايش ارزش­ها منعكس نمي­شود. در واقع، شناسايي افزايش ارزش خالص دارايي­ها به آينده موكول مي شود. بدين ترتيب و تا زماني كه شواهد قابل اتكايي از افزايش ارزش خالص دارايي­ها فراهم شود، ارزش دفتري خالص دارايي­ها از ارزش بازارآنها كمتر خواهد بود (محافظه کاری مشروط). با در دسترس قرار گرفتن شواهد مزبور و انعكاس افزايش ارزش در مبالغ دفتري، اختلاف بين ارزش­هاي بازار و ارزش­هاي دفتري به كمترين مقدار ممكن خواهد رسيد. بنابراین، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری خالص دارایی­ها هر دو نوع محافظه کاری (مشروط و نامشروط) را در بر می­گیرد.

# *2-9-3. معيارهاي محافظه­كاري مبتني بر اقلام تعهدي*

گيولي و هاین[[17]](#footnote-17)(2000) به بررسي سير تاريخي محافظه­كاري پرداختند تا به اين سؤال پاسخ دهند كه آيا گزارشگري مالي محافظه­كارانه­تر شده است يا نه؟ آنها يك دوره 50 ساله يعني فاصله زماني 1950 تا 2000 ميلادي را بررسي كردند و با بكارگيري چند معيار براي محافظه­كاري دريافتند كه در طول نيم قرن گذشته گزارش­هاي حسابداري به شدت متأثر از رويه­هاي محافظه­كارانه بوده است. آنها با تكيه بر يك تعريف خاص، اقلام تعهدي غير­عملياتي را براي اندازه­گيري محافظه­كاري به كار بردند. بنا به تعريف مذكور، محافظه­كاري زماني در شناسايي و گزارش رويداد­هاي مالي اعمال مي شود كه اولا، مديريت با ابهام و نبود اطمينان مواجه گردد و ناگزير از انتخاب يك گزينه از بين دو يا چند گزينه باشد و ثانیا، روشي انتخاب و اجرا شود كه به كمترين مقدار ممكن براي سود انباشته بيانجامد. آنها به اين دليل از اقلام تعهدي و غير­عملياتي استفاده كردند كه از يك سو حسابداري تعهدي مجرايي براي اعمال محافظه­كاري است و از سوي ديگر، اعمال اختيار از جانب مديران در شرايط نبود اطمينان، زمينه پيدايش محافظه­كاري را فراهم مي­آورد.آنها برای محاسبه جمع اقلام تعهدي و اقلام غير­عملياتي از مدل زیر استفاده کردند.

ACCit = (NIit+DEPit)-CFOit

OACCit = Δ(ARit+Iit+PEit)-Δ(APit+TPit)

NOACCit = ACCit-OACCit

در معادلات بالا ACC، جمع اقلام تعهدی؛ NI، سود قبل از اقلام غير مترقبه؛ DEP، هزينه هاي استهلاک؛ OACC، اقلام تعهدي عملياتی؛ AR، حساب هاي دريافتنی؛ I، موجودي مواد و كالا؛ PE، پيش پرداخت هزينه­ها؛ AP، حساب­هاي پرداختني؛ TP ، ماليات­هاي پرداختنی؛ NOACC، اقلام تعهدي غير عملياتی و CFO، جریان های نقدی عملیاتی می­باشند.

اقلام تعهدي غير­عملياتي شامل مقاديري است كه از برآوردها و قضاوت­هاي مديريت ناشي مي­شود. براي مثال، مي­توان به ذخيره مطالبات مشكوك الوصول، افزايش هزينه­ها كه ناشي از تغيير در برآوردهاست، سود و زيان فروش داراييها، زيان كاهش ارزش موجودي­ها و داراييهاي ثابت و اقلام انتقالي به دوره هاي آتي اشاره كرد. يافته­هاي گيولي و هاين(2000) هاكي از آن بود كه با گذشت هر سال، اقلام تعهدي غير­عملياتي نسبت به سال قبل به صورت معنا داري كوچك­تر شده­اند. بر اين اساس، آنها نتيجه گرفتند كه با گذشت زمان، محافظه­كاري بيشتر شده است. اين به اين معناست كه در طول زمان، مديران روش­هايي را انتخاب مي كنند كه به حداقل شدن سود انباشته منجر شده است.

# *2-9-4. معیار چولگي منفي توزيع سود و جريانهاي نقدي*

يكي ديگر از شاخص­هاي معرفي شده توسط گيولي و هاين(2000) چولگي منفي توزيع سود و جريانهاي نقدي است. آنها اظهار داشتند که باید جمع کل جریانات نقدی در تمام عمر شرکت با کل سودها در تمام عمر شرکت برابر باشد. اختلاف بین خالص جریانات نقدی و سود خالص اقلام تعهدی می­باشند. لذا، انتظار می­رود در صورتی که در دوره­ای خالص اقلام تعهدی منفی باشند، دوره پس از چنین دوره­هایی دوره خالص اقلام تعهدی بایستی مثبت باشد. و بنابراین نتیجه می­گیرند در صورت وجود دوره های متوالی طولانی با خالص اقلام تعهدی منفی رویکرد محافظه کاری در گزارش­های مالی در پیش گرفته شده است. آنان با توجه به اينكه حسابداري تعهدي مجرايي براي اعمال محافظه­كاري فراهم مي­سازد، استدلال مي­كنند كه توزيع سود به عنوان يك متغير تصادفي، بايد نسبت به توزيع جريانهاي نقدي چولگي بيشتري داشته باشد. آنها سود و جريان هاي نقدي هر سال را بر جمع دارايي­ها تقسيم كرده و توزيع اين دو متغير تصادفي را براي شركت­هاي مشخص در يك مقطع زماني و نيز براي يك شركت در چند دوره زماني بررسي كردند. بررسی آنها نشان داد كه توزيع سود، چولگي منفي­تري نسبت به توزيع جريانهاي نقدي دارد. دليل اين امر از منظر گيولي و هاين( 2000)، آن است كه سود حسابداري به انعكاس اخبار خوشايند و افزايش ارزش دارايي­ها نمي­پردازد، ولي زيان­ها را از طريق اقلام تعهدي به سرعت شناسايي مي­كند. شناسايي اين زيان­ها، همچون زيان كاهش ارزش موجوديها، تأثيري بر وجه نقد حاصل از عمليات ندارد و همين امر سبب مي­شود تا توزيع سود نسبت به توزيع جريان­هاي نقدي عملياتي، چولگي منفي­تري داشته باشد.

# 2-10. عوامل موثر بر محافظه کاری

تحقیقات متعددی عوامل وجود محافظه کاری در گزارش­های مالی را مورد بررسی قرار دادند. همانطور که بیان شد، واتس(2003) این عوامل را در چهار مورد خلاصه ­می­کند که شامل؛ وجود قراردادهای گوناگون بین واحد تجاری و ذی­نفعان برون سازمانی، احتمال طرح دعاوی حقوقی علیه واحد تجاری، کاهش یا به تعویق انداختن مالیات پرداختنی و خنثی کردن تمایل ذاتی مدیران جهت ارائه گزارش­های اغراق آمیز. گوی و وریکچیلیا(2007) و لافوند و واتس(2008) بیان کردند که محافقظه­کاری عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سایر ذی­نفعان برون سازمانی واحد تجاری را کاهش می­دهد. زیمرمن(1983) و کردلر و شهریاری(1388) اظهار می­کنند که شرکتهای بزرگ در تلاش برای کاستن از هزینه­های سیاسی، در ارائه گزارشهای مالی، محافظه­کارانه عمل می­کنند. در مقابل ایتردیز (2011) بیان می­کند، به دلیل بالا بودن مشکل نمایندگی در شرکتهای کوچک و تازه تأسیس، محافظه کاری در این نوع شرکتها بیشتر از شرکتهای بزرگ است. یافته­های کمیته مطالعاتی اراسموس(2010) گویای این است که بالا بودن اهرم و در نتیجه وجود کشمکش بین بستانکاران و سهامداران مخصوصا در حوزه سیاستهای تقسیم سود، عاملی دیگر برای اتخاذ رویکرد محافظه­کارانه است. تحقیقات زیادی مانند داروغ و استاغتون(1990)، داروغ(1990)، کارونا(2007و2008)، دهالیوال و همکاران(2008) و فلسام(2009)، بالا بودن تهدیدات رقابتی را از عوامل مهم اتخاذ رویکرد محافظه­کارانه بیان کردند. و نهایتا مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران (1386) از محافظه کاری به عنوان اصل احتیاط یاد کرده و آن را از خصوصیات کیفی اطلاعات مالی می­داند. هدف اصلی این پژوهش بررسی تاثیر ساختارهای رقابتی بر روی محافظه کاری مشروط حسابداری است.

# 2-11. رقابت در بازار

هرشبکه ای که خرید و فروش کالاها و خدمات در آن انجام پذیرد بازار نامیده می شود. بازار نباید لزوماً وجود مادی داشته و فضای مشخصی را در بر گرفته باشد. به عنوان مثال بازار، معاملات سهام در سطح جهانی بازاری است که عملیات آن صرفاً از طریق شبکه مخابرات بین المللی انجام می­گیرد و در مجموع جای معینی ندارد. بازار رقابتی به بازاری اطلاق می شود كه در آن تعداد زيادي خريداران و تعداد زيادي فروشندگان مطلع و آگاه، طوری عمل مي‌كنند که هيچكدام نمي‌توانند بر سطح قيمت تاثير بگذارند. قره‌باغيان (1372).

در بازار رقابت، شركتها اجباراً بايد شيوه‌هایي از توليد را به كار گيرند كه از كمترين ميزان هزينه و بالاترين ميزان كارايي برخوردار باشند تا به اين ترتيب بتوانند به مصرف‌كننده در تحصيل كالایي با كيفيت بهتر و قيمت پائين‌تر كمك كنند. در اين حالت منابع كل اقتصاد به شيوه كارآمدتر مورد استفاده قرار گرفته و باعث مي‌شود تمام اقتصاد سود ببرد.

باید این نکته را خاطر نشان شد که مفاهیمی مثل بازارهای رقابتی یا انحصاری مفاهیم نسبی هستند. در واقع اگر انواع بازارها را از نظر نوع رقابت دسته بندی کنیم، می­توان گفت انواع بازارها یک طیفی است که یک سر آن بازار رقابت کامل و سر دیگر آن انحصار کامل قرار دارد. در اقتصادهای نوپایی مثل اقتصاد ایران نیز بازارها وصنایع فعال در بورس اوراق بهادار در حال حرکت به سمت رقابتی طیف انواع بازارها هستند. بنابراین تعیین ارتباط بین ساختارهای رقابتی محصولات و محافظه کاری مشروط موضوعی حائز اهمیت به شمار می­رود.

در شرایط عادی رقابت در بازار شامل رقابت برای جلوگیری از ورود رقبای جدید به صنعت مورد فعالیت و رقابت بین شرکتهای فعال در یک صنعت خواهد بود. در حالت اول شرکتها باهم همکاری دارند تا از ورود رقبای جدید به صنعت جلوگیری کنند در حالی که در نوع دوم شرکت­های حاضر در صنعت خاص باهم رقابت خواهند کرد. در هر حال شرکت­ها برای کاهش تهدیدات رقابتی رویه­های محافظه­کارانه در گزارش­گری مالی را در پیش خواهند گرفت.

# 2-12. محافظه کاری حسابداری و ساختارهای رقابتی محصولات

تقاضا برای محافظه کاری ازعوامل مختلفی ناشی می­شود که از جمله مهمترین آنها شامل انعقاد قراردادهای کارا، کاهش دعاوی حقوقی، کاهش یا به تعویق انداختن مالیات، خنثی کردن تمایل جانبداری مدیران، کاهش هزینه های سیاسی، کاهش کشمکش بین بستانکاران و سهامداران، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در شرکتهای کوچک، کاهش فشارها و تهدیدات رقابتی و افزایش کیفیت اطلاعات مالی را می­توان نام برد. یکی از مهمترین ابعاد توجیه کننده تقاضا برای محافظه کاری بحث رقابت در بازار است.

گزارشگری مالی باید بر اساس اصول پذیرفته شده حسابداری (GAAP) و استانداردهای حسابداری باشد اما اصول و استاندارهای پذیرفته شده انعطاف پذیر هستند و علاوه بر این افشای بعضی اطلاعات نیز به صورت داوطلبانه صورت می­گیرد. با این حساب تهیه کنندگان اطلاعات از بین رویه­های پذیرفته شده می­توانند روش دلخواه خود را انتخاب کنند. بعضی رویه­ها محافظه­کارانه و بعضی دیگر جسورانه و متهورانه هستند و تهیه کنندگان اطلاعات می­توانند در پاسخ به شرایط گوناگون مانند شدت رقابت در بازار یا قصد تامین مالی و ... رویه­های جسورانه یا محافظه­کارانه را انتخاب کنند. در این پژوهش به دنبال این خواهیم بود که تغییرات رقابت در بازار چطور سطوح مختلف محافظه کاری را تحت تاثیر قرار می­دهد. به سه دلیل زیر می­توان ادعا کرد که افزایش رقابت تقاضا برای محافظه کاری را بیشتر می­کند.

1- داهالیوال، هوانق، کارونا و پریرا[[18]](#footnote-18) (2008) بیان می­کنند که رقابت بالا در بازار باعث بهبود جریان خاص اطلاعات بین شرکت و ذی­نفعان خواهد شد. زیرا یکی از مهمترین روشهایی که توسط استفاده کنندگان برای ارزیابی عملکرد مدیران استفاده می­شود آزمونهای تحلیلی است. آزمونهای تحلیلی یعنی مقاسیه اطلاعات ارائه شده شرکت با متوسط صنعت، رقبای شرکت، بودجه­ها و اطلاعات گذشته شرکت. بنابراین رقابت بیشتر باعث مقایسه بیشتر شرکت با رقبا خواهد بود و بدین ترتیب فرایند ارزیابی آسان می­شود و با آسان شدن فرایند ارزیابی امکان پنهان کردن اخبار بد برای مدیران نیز کمتر خواهد شد.

2- علاوه بر این رقابت بیشتر، شرکتها را در معرض ریسک انحلال[[19]](#footnote-19) و حذف از بازار رقابتی قرار می­دهد. کارونا (2007). از این رو شرکتها به شدت تلاش خواهند کرد که قرارداهای کارا منعقد کنند و مکمل تقاضا برای انعقاد قرارداهای کارا تقاضا برای محافظه کاری حسابداری خواهد بود واتس[[20]](#footnote-20) (2003). احمد و همکاران (2002) نشان دادند که با افزایش بدهی تقاضا برای محافظه کاری نیز بیشتر می­شود زیرا محافظه کاری باعث کاهش هزینه سرمایه ناشی از بدهی است. از این رو شرکتهایی که بیشتر رقابتی هستند در اتخاذ رویه­های حسابداری محافظه­کارانه­تر خواهند بود.

3- در صورتی که تصمیمات مدیریت با علائق سهامداران همسو نباشد در شرایط رقابتی شدید این موضوع باعث حذف شرکت از گردونه رقابت خواهد شد بال و شیواکومار (2005). در این صورت اتخاذ رویه ­های محافظه­کارانه مانع از سرمایه­گذاری مدیریت در پروژهای با خالص ارزش فعلی منفی خواهد بود، زیرا شناسایی سریع­تر زیانها سهامداران را به موقع از زیان ده بودن یا نبودن سرمایه­گذاری­ها آگاه می­کند. علاوه براین محافظه کاری شامل تأییدپذیری بیشتر برای اخبار خوب است که این محدودیت نیز توانایی مدیران در غلو گویی و بیشتر از واقع نشان دادن دارایی ها و سودها را کاهش می­دهد و از این طریق باعث کاهش مشکلات بعدی در بازارهای رقابتی خواهد شد.

شرکتها جهت رهایی از فشارهای رقابتی بین شرکای موجود در یک صنعت (رقبای بالفعل) و یا تهدیدات ناشی از ورود رقبای جدید به بازار (رقبای بالقوه) محافظه کاری در گزارش­گری مالی را در پیش می­گیرند و بدین منظور اخبار و نشانه­های خوب یا مساعد را پوشش داده و اخبار و علائم بد و نامساعد را برجسته می­کنند و با این کار انتظارات بازار را از عملکرد آتی کاهش می­دهندکه خود باعث کاهش قیمت اوراق بهادار شرکت است.

بیشتر مدل­های ارائه و افشای اطلاعات تهیه کنندگان را به ارائه منصفانه اطلاعات تشویق و ترغیب می­کنند (فلسام و ایکسی[[21]](#footnote-21) 1992). ولی شرایط متفاوت و صنایع گوناگون از نظر شدت رقابت در اتخاذ تصمیمات و سیاست­های جسورانه یا محافظه­کارانه اثر گذار هستند با این حال مدل­های افشای اطلاعات بیانگر اتخاذ تصمیمات محافظه­کارانه در شرایط عادی (عدم نیاز به تامین مالی از طریق بدهی یا حقوق صاحبان سهام) رقابت هستند (داروغ و استاغتون 1990 ؛ کلینچ و ویکچیلیا 1997).

# 2-13. انواع رقابت و محافظه کاری حسابداری

داروغ و استاغتون(1990)، داروغ (1993) و کلینچ و وریکچیلیا(1997) بیان می­کنند که رقابت از دو قسمت تشکیل شده است. بخش اول شامل همکاری با رقبای موجود، در جلوگیری از ورود رقبای بالقوه می­باشد. اما بخش دیگر رقابت شامل رقابت بازیگران یک صنعت با شرکای حاضر در آن صنعت خواهد بود. در ادامه ارتباط محافظه کاری با هریک از دو بخش رقابت آورده شده است.

1. محافظه کاری حسابداری و رقابت برای جلوگیری از ورد رقبای جدید (بالقوه)
2. محافظه کاری حسابداری و رقابت با شرکای (رقبای) حاضر در صنعت (بالفعل)

# *2-13-1. محافظه کاری حسابداری و رقابت برای جلوگیری از ورود رقبای جدید (بالقوه)*

رقابت به صورت عادی به دو شکل بیان شده است که شامل رقابت برای ورود رقبای جدید به بازار و رقابت بین شرکتهای فعال در بازار. در حالت اول منافع شرکتهای فعال در یک صنعت برای جلوگیری از ورود رقیب جدید به بازار در یک راستا قرار دارد.

داروغ و استاغتون (1990)، فلسام و اکسی(1992) و ایوانس و اسریدهار(2002) مدلی را توسعه دادند و بیانگر این بود که شرکتها در مواجه با فشارهای اقتصادی در جهت منصرف کردن رقبا برای ورود به صنعت تلاش می­کنند. آنها بیان کردند که اطلاعات افشا شده در گزارش­های مالی در اختیار همه گروهای استفاده کننده از جمله رقبا قرار می­گیرد و این اطلاعات توسط بازار ارزیابی شده و قیمتهای اواراق بهادار شرکت، انتظارات از عملکرد آتی شرکت ، قیمتهای فروش محصولات شرکت و حجم فروش شرکت را تحت تاثیر قرار می­دهد.

با فرض ثابت بودن سایر شرایط در صورتی که شرکتها اخبار خوب را برجسته کرده و در جهت خنثی کردن اخبار بد و نامساعد تلاش کنند (اتخاد سیاسی متهورانه)، انتظارات از عملکرد آتی شرکت بیشتر شده و بنابراین قیمت بازار اوراق بهادار شرکت افزایش خواهد یافت و ذی­نفعان از این بابت خرسند خواهند شد. اما، این با تهدیدات ناشی از ورود رقبای جدید به صنعت همراه است و برعکس در صورتی که در جهت خنثی کردن اخبار خوب تلاش کرده و اخبار بد را برجسته کنند، ارزش بازار اوراق بهادار شرکت کاهش یافته و تهدیدات ناشی از ورود رقبای جدید نیز کمتر خواهد شد. در صورت ورود رقبای جدید صنعت باید بخشی از فروش خود را به رقیب جدید اختصاص دهد. بنابراین، شرکتها باید در بین این مزایا و تهدیدات تعادل لازم را برقرار کنند و این موضوع در جواب پاسخ به این سوال خواهد بود که ثروت ذی­نفعان در راستای اتخاذ سیاست­های متهورانه( افزایش ارزش بازار اوراق بهادار شرکت و افزایش تهدیدات ناشی از ورود رقبای جدید به صنعت) حداکثر می­شود یا در جهت اتخاذ رویه­های محافظه­کارانه؟ (کاهش ارزش بازار اوراق بهادار شرکت و کاهش تهدیدات ناشی از ورود رقبای جدید به صنعت).

داروغ و استاغتون (1990) در پاسخ به این سوال مدل ارایه اطلاعات ناقص را پیشنهاد کردند و بیان کردند که اطلاعات مساعد هرگز افشا نشود ولی اطلاعات نامساعد بعضی وقتها ارائه شود و این رویه با تعریف سنتی محافظه کاری مشروط (الزام به ارائه اطلاعات مساعد حسابداری با قابلیت بالای تایید پذیری نسبت به اطلاعات نامساعد) مشابه می­باشد. البته استاندارهای حسابداری ارائه بخشی از اطلاعات مساعد و نامساعد را الزامی کردند ولی علاوه براینکه استاندارهای حسابداری شرط ارائه اطلاعات مساعد را تایید پذی بیشتر آنها نسبت اطلاعات نامساعد دانسته­اند، این استاندارها انعطاف­پذیر نیز هستند و تهیه کنندگان اطلاعات می­توانند به صورت دلخواه رویه­های متهورانه ویا محافظه­کارانه را اتخاذ کنند که سیاست متهورانه باعث جذب رقبای بالقوه و سیاست محافظه­کارانه باعث دفع رقبای بالقوه خواهد بود.

# *2-13-2. محافظه کاری حسابداری و رقابت با شرکای (رقبای) حاضر در صنعت (بالفعل)*

داروغ (1993) در پژوهشی اثر رقابت در بازار بر روی رفتار تهیه کنندگان اطلاعات در خصوص گزارش بهای تمام شده تولیدات را مورد بررسی قرار داد. او نشان داد که شرکتها در شرایط رقابتی ودر صورتی که قابلیت جانشینی تولیدات بیشتر باشد، علائم و نشانه­ها و اخبار بد در خصوص بهای تمام شده را بیشتر و برجسته­تر گزارش می­کنند. در رقابت شدید قیمتها و حجم تولید و فروش توسط بازار تعیین می­شود در صورتی که شرکتها بهای تمام شده را بیشتر گزارش کنند این کار از یک طرف شرکتهای فعال در یک صنعت را به افزایش قیمت­ها ترغیب می­کند و از طرف دیگر مصرف کننده را به افزایش قیمتها متقاعد می­کند که نهایتا منجر به افزایش قیمتها و خرسندی سهامدارن شرکت خواهد شد.

علاوه بر اینکه همه شرکتهای فعال در یک بازار در جهت بیشتر از واقع نشان دادن بهای تمام شده تولیدات تلاش می­کنند، تک تک شرکتها هم در جهت کاهش قیمت فروش و از این طریق افزایش حجم فروش تلاش می­کنند و با این کار منافع ذی­نفعان خود را حداکثر می­کنند.

بدین ترتیب تلاشها در جهت بیشتر نشان دادن بهای تمام شده و کاهش قیمت فروش خواهد بود و این نیز به نوبه خود نسبت فروش به بهای تمام شده و یا سود ناویژه را کاهش خواهد داد. بنابراین انتظار داریم در بازارهای رقابتی و یا بازارهایی با قابلیت جانشینی بیشتر تولیدات، نسبتفروش به بهای تمام شده (سود ناویژه) کمتر از سایر بازارها باشد.

کلینچ و ویکچیلیا (1997) در تحقیقی ارتباط بین رقابت در بازار و ارائه اطلاعات در رابطه با حجم تقاضای بازار را مورد بررسی قرار دادند. آنها دریافتند که شرکتها در جهت خنثی کردن اخبار و علائم مساعد و برجسته کردن اخبار و علائم نامساعدتقاضای بازار، تلاش می­کنند و گستره این تلاشها با شدت رقابت ارتباط مستقیم دارد. زیرا این کار باعث کاهش حجم تولید رقبا شده و از این طریق قیمتها افزایش پیدا خواهد کرد ( ارتباط معکوس عرضه و تقاضا). علاوه بر اینکه برجسته کردن اخبار بد در خصوص تقاضا باعث افزایش قیمت فروش می­شود، مانعی برای ورود رقبای جدید به بازار نیز به شمار می­رود، زیرا در حال حاضر و در علم بازار یابی تولید محصول کار سختی محسوب نمی­شود و توزیع و فروش محصول مهمتر از تولید تولید آن است. در صورتی که رقبای بالقوه حجم تقاضا را بهتر احساس کنند، در راستای ورود به بازار تلاش خواهند کرد و با این حساب انتظار داریم افزایش حجم تقاضا باعث افزایش تهدیدات ناشی از ورود رقبای جدید به بازار نیز همراه باشد.

# 2-14. اندازه­گیری رقابت

رقابت بازار محصولات به روشهای گوناگونی قابل اندازه­گیری است. نسبت تمرکز صنعت به عنوان یکی از فاکتورهای رقابت می­باشد. علی و همکاران[[22]](#footnote-22) (2008) شاخص هر فیندال-هریشمن[[23]](#footnote-23) را به عنوان بهترین شاخص سنجش رقابت در بازار بیان کردند. این شاخص حاصل جمع مجذورات سهم از بازار فروش شرکتهای حاضر در یک صنعت می­باشد. در صورتی که نسبت تمرکز در صنعتی بیشتر باشد (تعداد شرکتها فعال در صنعت کمتر و یا حجم عمده­ی فروش دست صنعت دست یک یاچند شرکت خاص باشد) در این صورت عدد به دست آمده برای شاخص هرفیندال-هریشمن، بزرگتر خواهد بود و برعکس. در حالت کلی بر این است که صنایعی با نسبت تمرکز کمتر، رقابتی تر از سایر صنایع باشند.

تحقیقات اخیر در علم اقتصاد بیانگر این است که رقابت بازارهای تولیدی حالت چند بعدی داشته و به تنهایی توسط نسبت تمرکز قابل بیان نیست. رایتس [[24]](#footnote-24)(2003) و کارونا (2007)[[25]](#footnote-25). رایتس در سال 2003 بیان می­کند که قابلیت جانشینی کالاها، اندازه بازار و هزینه­های ورودی ابعاد دیگری از رقابت بازار محصولات هستند. درصورت بالا بودن قابلیت جانشینی تولیدات، اندازه بزرگتر بازار هزینه­های ورودی کمتر (شدت سرمایه گذاری در دارایی­های) رقابت در بازرا محصولات شدیدتر خواهد بود.

تهدیدات ناشی از ورود رقبا به صنایع در صورت بالا بودن قابلیت جانشینی، اندازه بازار بزرگتر و هزینه­های ورودی کمتر حادتر خواهد بود. قابلیت جانشینی کالاها به طور طبیعی رقابت در بازار را بیشتر می­کند زیرا، تولید کننده با علم به اینکه حساسیت فروش به قیمت­ها بسیار بیشتر است وارد رقابت می­شود. اندازه بزرگ بازار هم در نتیجه تقاضای بیشتر حاصل می­شود و همچنان که در بخشهای پیشین اشاره شد تقاضای بیشتر باعث جذب رقبای بالقوه خواهد بود. در صورت بالا بودن حجم سرمایه­گذاری (خواه دارایی­های مشهود یا نامشهود) تهدیدات ناشی از ورود رقبای بالقوه کمتر خواهد بود زیرا در این صورت هزینه فرصت سرمایه­گذاری بیشتر است و حجم سرمایه­گذاری عمده در دسترس همگان نخواهد بود.

علاوه بر این قابلیت جانشینی کالاها و اندازه بازار، رقابت بین رقبای حاضر در صنعت خاص را نیز تحت تاثیر قرار می­دهد. بدین معنی که اندازه بزرگتر بازار رقابت بین بازیگران یک صنعت را جهت افزایش سهم فروش خود افزایش خواهد داد و قیمتهای رقابتی نیز با افزایش قابلیت جانشینی محصولات افزایش می­یابد سالوپ[[26]](#footnote-26) (1979).

# 2-15. تامین مالی و محافظه کاری حسابداری

محافظه کاری حسابداری باعث کاهش انتظارات بازار سرمایه از عملکرد آتی شرکت می­شود. در نتیجه کاهش انتظارات بازار سرمایه از عملکرد آتی شرکت، به احتمال قوی ازرش بازار اوراق بهادار شرکت کمتر از ارزش ذاتی آنها خواهد بود. زیرا برجسته کردن اخبار و علائم بد و همزمان پوشش دادن اخبار و نشانه­های خوب باعث ایجاد تنش در افکار تحلیل­گران بازار سرمایه خواهد بود. در صورتی که قیمتهای بازار نتواند اثرات محافظه کاری را در خود منعکس کند افزایش (کاهش) در محافظه کاری باعث کاهش (افزایش) ارزش بازار اوراق بهادار شرکت شرکت خواهد شد و ذی­نفعان از این بابت ناخرسند خواهند شد.

بررسی دیدگاه­های محافظه کاری بیانگر این است که محافظه کاری مزایای متفاوتی دارد. از مهمترین آنها، انعقاد قراردادهای کارا، کاهش دعاوی حقوقی، کاهش یا به تعویق انداختن مالیات، خنثی کردن تمایل جانبداری مدیران، کاهش هزینهای سیاسی، کاهش کشمکش بین بستانکارن و سهامداران، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در شرکتهای کوچک، کاهش فشارها و تهدیدات رقابتی و افزایش کیفیت اطلاعات مالی را می­توان نام برد. در مقابل همه این منافع اتخاذ رویکرد محافظه­کارنه هزینه­های نیز دارد که مهمترین آن کاهش انتظارات از عملکرد آتی واحد تجاری خواهد بود. فلسام(2009)در تحقیقی در این زمینه بیان کرد که محافظه کاری نامشروط باعث کاهش خالص ارزش دارایی­های گزارش شده می­باشد، در صورتی که محافظه کاری مشروط منجر به کاهش انتظارات از عملکرد آتی می­شود. زیرا محافظه کاری مشروط با زودتر شناسایی کردن اخبار بد و نامساعد نسبت به اخبار خوب و مساعد، تصویری نامناسب از وضعیت واحد تجاری ارائه می­کند. پایین بودن انتظارات از عملکرد آتی، ارزش کمتر اوراق بهادار شرکت را به دنبال خواهد داشت. زیرا تحلیل­گران و سرمایه­گذاران بازار، تا حدودی اعمال محافظه کاری در گزارشگری مالی را در نظر می­گیرند ولی قادر به انعکاس کامل آن نیستند.

شرکتها با علم به منافع و هزینه­های اتخاذ رویکرد محافظه­کارانه، باید رویکرد مناسب خود را تعیین کنند. تحقیقات ذکر شده در بالا، در شرایط عادی اتخاذ رویکرد محافظه­کارانه را پیشنهاد می­کنند. چرا که منافع اتخاذ روکرد محافظه­کارانه بیشتر از هزینه­های آن است. حال سوال اساسی تحقیق به این صورت مطرح می­شود که آیا واحدهای تجاری در مواقع نیاز به تامین مالی(از طریق بدهی یا حقوق صاحبان سهام)، سطح محافظه کاری مشروط در گزارشگری مالی را کاهش می­دهند یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا واحدهای تجاری در دوره­های تامین مالی، اخبار و علائم بد و نامساعد را کمتر در گزارش­های حسابداری شناسایی می­کنند یا در مخابره آنها تغییراتی ایجاد نمی­کنند؟ به دلیل اینکه در مواقع نیاز به تامین مالی، هزینه­های ناشی از پایین بودن انتظارات از عملکرد آتی حادتر است، لذا انتظار داریم شرکتها در این مواقع سطح محافظه کاری مشروط خود را کاهش دهند. و بدین ترتیب انتظارات بازار از عملکر آتی خود را بهبود بخشیده و با کمترین هزینه سرمایه تامین مالی داشته باشند.

البته دیدگاه مخالف در این زمینه توسط تائوما[[27]](#footnote-27) (2010) بیان شده است. ایشان اظهار داشتند که اتخاذ رویه محافظه­کارانه علاوه بر اینکه باعث کاهش انتظارات بازار سرمایه از عملکرد آتی خواهد شد، ریسک کلی شرکت را نیز با استفاده از کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و ذی­نفعان و همچنین کاهش ریسک بزرگ­نمایی مدیران، کاهش می­دهد. درصورتی که کاهش ریسک بیشتر (کمتر) از کاهش بازده مورد انتظار باشد در این صورت ارزش بازار اوراق بهادار شرکت افزایش (کاهش) خواهد یافت. البته این دیدگاه خللی در مبانی نظری پژوهش ما ایجاد نمی­کند زیرا با فرض اینکه رویه محافظه­کارانه ریسک کلی شرکت را کاهش می­دهد در مقاطع زمانی کوتاه (زمانهای تامین مالی) بدون افزایش محسوس ریسک می­توان با کاهش سطح محافظه کاری انتظارات بازار سرمایه را بالا برد و از این طریق به صورت کارا اقدام به تامین مالی کرد.

# 2-16. پیشینه­ تحقیق

# *2-16-1. تحقیقات خارجی*

**تحقیق احمد**

احمد(2002) با عنوان نقش حسابداری محافظه­کارانه در کاهش تنش بین اعتبارده­گان و سهامداران به این نتیجه رسید که به این نتیجه رسید که محافظه کاری با برآورده کردن خواسته­های اعتبار دهنده­گاران در جهت کمتر ارائه کردن سود و در نتیجه کاستن از میزان سود تقسیمی کشمکش بین اعتباردهنده­گان و سهامداران را کاهش می­دهد. علاوه بر این محافظه کاری حسابداری مدیران را مجبور به سرمایه­گذاری در پروژهای با خالص ارزش فعلی مثبت کرده و مانع سرمایه­گذاری مدیران در پروژه­های با بازدهی منفی می شود. همچنین رابطه­ مستقیمی بین درصد سهام متعلق به اعضای هیئت مدیره و محافظه کاری وجود دارد.

**تحقیق باسو**

باسو(1997) در تحقیقی تأثیر محافظه کاری را بر صورت های­مالی بررسی کرد. او محافظه کاری در حسابداری را به عنوان شناسایی به­موقع تر اخبار بد در مقایسه با اخبار خوب تفسیر می­کند. به­موقع­تر بودن شناساییِ اخبار بد دلالت براین دارد که سود نسبت به بازده­های منفی در مقایسه با بازده های مثبت، در هر زمانی حساس تر است. او نشان داد که حساسیت سود نسبت به بازده­های منفی دو الی شش برابر بزرگتر از حساسیت سود به بازده­های مثبت است. علاوه بر این، باسو نشان داد که به موقع­تر بودن سود اساساً بر اثر شناسایی به موقع تر اخبار بد از طریق اقلام تعهدی ( و نه جریان های نقدی) است. از سوی دیگر، اقلام تعهدی و جریان­های نقدی در زمان بندی شناسایی اخبار خوب در صورت های­مالی، تفاوتی با یکدیگر ندارند.

**تحقیق بال و کوتاری**

بال و کوتاری (2007) با بکار­گیری یک مدل اقتصاد سنجی به بررسی اعتبار مدل باسو در اندازه­گیری محافظه کاری پرداختند. آنها نشان دادند که با فرض نبود عدم­تقارن زمانی سود، معیار باسو فاقد سوگیری است. همچنین آنها به روش اقتصاد سنجی به تشریح تحلیل­های رویچودهاری و واتس(2007) پرداخته و بیان نمودند که انتظار می رود رابطه­ منفی بین نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام(MTB) و عدم تقارن زمانی در اتدازه­گیری محافظه کاری، ناشی از چگونگی انعکاس تغییر انتظارات بازار در رابطه با فرصت­های رشد شناسایی نشده در سود حسابداری باشد. تحلیل آنها از نظر اقتصاد سنجی، معیار عدم­تقارن زمانی سود را به خوبی اثبات و توجیه نمود.

**تحقیق بوهید**

بوهید[[28]](#footnote-28) (2007) در تحقیقی با عنوان اثر محافظه کاری بر روی هزینه­های استقراض ار طریق بدهی، بیان کرد که هزینه بدهی به شدت تحت تاثیر محافظه کاری مشروط و کمتر تحت تاثیر محافظه کاری نامشروط می­باشد. او ادامه می­دهد که شرکتهایی که رویه محافظه کاری مشروط اتخاذ کرده­اند، هزینه بدهی به مراتب کمتری نسبت به سایر شرکتها دارند.

**تحقیق دهالیوال، هوانق، کارونا و پریرا**

دهالیوال، هوانق، کارونا و پریرا[[29]](#footnote-29) (2008) در تحقیقی با عنوان ارتباط بین محافظه کاری حسابداری و ساختار­های رقابتی محصولات نشان دادند که با افزایش شدت رقابت در بازارها عدم تقارن زمانی شناسایی زیان­های و سودهای اقتصادی نیز بیشتر می­شود. علاوه بر این آنها بیان کردند که کیفیت این ارتباط به متغییرهای کنترلی علی­الخصوص مالکیت مدیریتی بستگی ندارد.

**کمیته مطالعاتی اراسموس**

کمیته مطالعاتی اراسموس**[[30]](#footnote-30)** (2010) به سرپرست نوپس[[31]](#footnote-31) در تحقیقی با عنوان محافظه کاری حسابداری و ارتباط آن با کشمکش بین دارندگان اوراق قرضه و سهامداران در اتخاذ سیاست­های تقسیم سود و ارتباط محافظه کاری با هزینه سرمایه بدهی و اثر الزامی شدن استانداردهای بین­المللی در سال 2005 بر سطح محافظه کاری در حوزه کشورهای اسکاندیناوی و فرانسوی در دانشگاه روتردام به دنبال پاسخ به سولات زیر بودند.

1. ارتباط محافظه کاری حسابداری با کشمکش بین دارندگان اوراق قرضه و سهامداران در اتخاذ سیاست­های تقسیم سود چگونه است؟
2. ارتباط محافظه کاری حسابداری با هزینه سرمایه بدهی چگونه است؟
3. اثرات الزامی شدن استاندارهای بین­المللی در سال 2005 برای اتحادیه اروپا بر روی محافظه کاری در حوزه کشورهای اسکاندیناوی و فرانسوی چگونه بوده است؟

آنها بیان کردند که در صورتی که شرکتها رویه محافظه­کارانه در پیش بگیرند از یک سو سودهای (زیان­های) گزارش شده کمتر (بیشتر) از واقع خواهد بود و از سوی دیگر ریسک نگهداری اوراق بهادار شرکت نیز کاهش پیدا می­کند و بدین ترتیب رفتار سهام­داران و دارندگان اوراق قرضه در اتخاذ سیاستهای تقسیم سود را مورد بررسی قرار دادند. در ادامه آنها توضیح دادند که در صورت کمتر ارائه شدن سود، توزیع سود بین سهامداران کمتر خواهد بود و منابع بیشتری در شرکت باقی می­ماند و ریسک ورشکستگی کم می­شود و از طرف دیگر بازده مورد انتظار سهامداران نیز کم می­شود حال این سوال مطرح می­شود که با کاهش هر دوی اینها هزینه سرمایه بدهی کمتر می­شود یا بیشتر؟ انتظار آنها این بود که هزینه سرمایه بدهی کمتر شود. یافته­های آنها نشان داد بین محافظه کاری حسابداری با کشمکش بین دارندگان اوراق قرضه و سهامداران در اتخاذ سیاست­های تقسیم سود ارتباط منفی وجود دارد. و بین محافظه کاری و هزینه­های تامین مالی بدهی ارتباط منفی ولی ضعیفی وجود دارد. الزامی شدن استاندارهای بین­المللی در سال 2005 برای اتحادیه اروپا باعث هماهنگ­تر شدن اصل محافظه کاری در حوزه کشورهای اسکاندیناوی و فرانسوی شده است. ( قبلا اطلاعات ارایه شده در حوزه کشورهای فرانسوی محافظه­کارانه تر کشورهای حوزه اسکاندیناوی بوده است.)

**تحقیق فلسام**

فلسام[[32]](#footnote-32) (2009) در تحقیقی که انجام داد رابطه­ بین ساختار رقابتی و محافظه­کارای مشروط حسابداری را مورد بررسی قرار داد. او نتیجه گرفت که میزان و شدت رقابت در بازارهای عاملی برای بکارگیری رویه­های حسابداری محافظه­کارانه است. نتایج تحقیق او نشان داد که شرکت­ها، محافظه کاری را در پاسخ به رقابت بیشتر بکار می برند. همچنین مؤسسات قبل از صدور سهام و اوراق بدهی، کمتر از حسابداری محافظه­کارانه استفاده می­کنند.

**تحقیق فرانسز و همکاران**

فرانسز و دیگران[[33]](#footnote-33) (2004) در تحقیقی به بررسی ارتباط بین محافظه کاری و هزینه­ سرمایه شرکت پرداخت. او بیان کرد که محافظه کاری ار یک طرف باعث کاهش اتنظارات از عملکرد آتی می­شود و از طرف دیگر با بالا بردن کیفیت اطلاعات مالی باعث کاهش ریسک کلی شرکت می­شود. او در ادامه بیان می­کند که کاهش این دو عامل موثر بر هزینه سرمایه، متناسب هم بوده و با خنثی کردن اثر همدیگر باعث می­شوند هزینه سرمایه شرکت ثابت باقی بماند.

تحقیق کالن، سگال . هوپ

کالن سگال و هوپ[[34]](#footnote-34)(2009) ارزش حقوق صاحبان سهام و محافظه کاری حسابداری به این نتیجه رسیدند که بین بازده­های غیر عادی و سود حسابداری ارتباط ارتباط غیر خطی همراه با تاخیر زمانی وجود دارد واین بدین معنی است که بازده­های مثبت دیرتر در سود شناسایی می­شوند و بازده­ها­ی منفی به موقع­تر. همچنین آنها شرکتها را از نظر شدت محافظه کاری رتبه بندی کردند و به صورت تجربی اثبات کردند که شرکتهای با سطح محافظه کاری بالا دارای خصوصیات مشخصی از قبیل: اهرم بالا، فراریت بیشتر بازدهی[[35]](#footnote-35) ، تعداد دوره­های زیان­ده بیشتر ، اقلام تعهدی منفی بالا و نهایا فراریت بیشتر اقلام تعهدی هستند.

**تحقیق لارا و همکاران**

لارا، اوسما و پانالوا[[36]](#footnote-36) (2006) بیان کردند که محافظه کاری علاوه بر افزایش کیفیت اطلاعات مالی باعث کاهش ریسک نقد شوندگی و کاهش هزینه معاملات اوراق بهادار می­شوند. آنها نهایتاً نتیجه گرفتند که محافظه کاری باعث کاهش هزینه سرمایه شرکت می­شود.

**تحقیق ایکس­لی**

ایکس­لی[[37]](#footnote-37) (2010) در تحقیقی با عنوان اثر محافظه کاری حسابداری بر روی هزینه­ی سرمایه در سطح بین­المللی به این نتیجه رسید که کشوهایی با رویکرد حسابداری محافظه­کارانه هزینه سرمایه به مراتب کمتر نسبت به بقیه کشورها دارند.

**تحقیق هاری و واتس**

رویچودهاری و واتس(2007) رابطه­ی بین عدم­تقارن زمانی سود و زیان و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری را به عنوان معیارهای محافظه کاریمشروط و نامشروط، مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق بیانگر وجود یک رابطه­ منفی بین این دو معیار سنجش محافظه کاری بود. همچنین آنها یافتند که هر چه دوره­ برآورد معیار عدم­تقارن زمانی سود طولانی­تر شود، این رابطه­ منفی کمتر می شود. در دوره­های سه ساله رابطه­ این دو معیار مثبت خواهد شد.

# 2-16-2. تحقیقات داخلی

**تحقیق غفارلو**

غفار لو(1390)در تحقیقی با موضوع ارتباط بین ساختار رقابتی محصولات و ساختار تأمین مالی با محافظه کاری مشروط در گزارشگری مالی به نتایج زیر دست یافت:

1. بین قابلیت جانشینی محصولات و محافظه کاری مشروط رابطه منفی برقرار است.
2. بین حجم تقاضا و محافظه کاری مشروط رابطه مثبت برقرار است.
3. بین تعداد شرکتهای فعال در بورس و محافظه کاری مشروط رابطه مثبت برقرار است.

**تحقیق بنی­مهد**

بنی مهد(1385) در تحقیقی که روش­های اندازه­گیری محافظه کاری را مورد بررسی قرار می­داد و شرکت­های نمونه­ تحقیق از بورس اوراق بهادار تهران که از سال 1373 تا 1384 انتخاب شده بودند، نتیجه گرفت محافظه کاری در حسابداری به علت کاهش بازده دارایی­ها و کاهش بازده نقدی دارایی­ها کاهش پیدا می­کند و نیز افزایش بدهی­های بلند­مدت باعث کاهش محافظه کاری به کار رفته در حسابداری می­شود. از یافته­های دیگر این تحقیق این بود که با افزایش رشد عملیات شرکت­ها، محافظه کاری افزایش پیدا می کند.

**تحقیق ادهم**

ادهم(1386) در تحقیقی با موضوع نقش محافظه کاری حسابداری در کیفیت سود و بازده سهام به نتایج زیر دست یافت:

1. بین محافظه کاری حسابداری و کیفیت سود، رابطه­ مثبتی برقرار است، یعنی هرچه شرکت­ها رویه­های محافظه­کارانه­­تری اتخاذ کنند، سود گزارش شده کیفیت بالاتری از نظر نزدیکی به وجه نقد خواهد داشت و بالعکس.
2. بین محافظه کاری و اندازه­ شرکت رابطه­ معناداری وجود ندارد.
3. بین ذخیره­ مالیات و محافظه کاری در حسابداری رابطه­ معنادار و معکوسی برقرار است.

**تحقیق رضازاده و آزاد**

رضازاده و آزاد(1387) رابطه­ بين عدم­تقارن اطلاعاتي بين سرمايه­گذاران و ميزان محافظه­كاري موجود در گزارشات مالي را بررسي كردند. فرضيات آنها به شرح زير بود:

1. هر چه عدم­تقارن اطلاعاتي بين سرمايه­گذاران بيشتر باشد، محافظه­كاري در صورت­هاي مالي بيشتر است.
2. تغيير عدم­تقارن اطلاعاتي بين سرمايه­گذاران موجب تغيير در ميزان محافظه­كاري صورت­هاي مالي مي شود.

آنها براي سنجش ميزان محافظه­كاري از معيار باسو(1997) كه قبلا توضيح داده شد. رضازاده و آزاد بر اساس اين تحقيق نتيجه گرفتند كه هرگاه عدم­تقارن اطلاعاتي بيشتري بين سرمايه­گذاران وجود داشته باشد، شركت­ها سود و زيان را با محافظه­كاري بيشتري گزارش مي­كنند. همچنين شناسايي نامتقارن درآمدها و هزينه­ها در صورت­هاي مالي متناسب با سطح عدم تقارن اطلاعاتي تغيير مي كند. همچنين آنها دريافتند كه با تغيير ميزان عدم­تقارن اطلاعاتي بين سرمايه­گذاران، ميزان محافظه­كاري در گزارشگري مالي شركت­ها نيز افزايش مي­يابد.

**تحقیق كردستاني و امير بيگي لنگرودي**

كردستاني و امير بيگي لنگرودي(1387) در مقاله­اي به بررسي رابطه­ عدم­تقارن زماني و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتري به عنوان دو معيار ارزيابي محافظه­كاري پرداختند. دوره­ زماني تحقيق آنها از سال 1375 تا سال 1385 بوده و شركت­هاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را با استفاده از تجزيه و تحليل رگرسيون خطي چند متغيره مورد بررسي قرار دادند. فرضيات تحقيق آنها به شرح زير بود:

1- رابطه­ بين واكنش سود به اخبار خوب و معيار نسبت ارزش بازار به ارزش دفتري سهام درپايان دوره برآورد، براي دوره­هاي طولاني، منفي است.

2- رابطه­ بين واكنش سود به اخبار بد و معيار نسبت ارزش بازار به ارزش دفتري سهام در پايان دوره برآورد، براي دوره­هاي طولاني مثبت است.

در اين مقاله، فرضيه­ اول تحقيق تأييد و فرضيه­ دوم رد شد. يافته­هاي اين تحقيق برخلاف پيش­بيني نشان داد كه كه افزايش طول دوره­هاي برآورد مدل باعث مثبت شدن رابطه­ یبين اين دو معيار ارزيابي محافظه­كاري نمي­شود. بنابراين نتايج اين تحقيق همسويي اين دو معيار را تأئيد نكرد. البته اين نتايج نمي­تواند از اعتبار معيار عدم تقارن زماني سود به عنوان يك معيار ارزشمند براي ارزيابي میزان محافظه­كاري كم كند، زيرا تعاريف جديد محافظه­كاري و مباني نظري كه توسط واتز(2003) در اين زمينه بيان شده است، بر پايه همان مباني نظري معيار عدم تقارن زماني سود يعني تأئيدپذيري متفاوت در شناسايي سودها و زيان­ها بنا نهاده شده است. بنابراين استفاده­كنندگان اطلاعات مالي مي­توانند از معيار عدم تقارن زماني سود در كنار معيار نسبت ارزش بازار به ارزش دفتري براي ارزيابي درجه­ محافظه­كاري در گزارشگري مالي استفاده كنند.

**تحقیق** **کردلر و شهریاری**

کردلر و شهریاری (1388) در این تحقیق رابطه­ بین متغيرهاي اندازه، درجه رقابت صنعت، شدت سرمايه­گذاري، ريسك، مالكيت دولتي، و تمركز مالكيت با محافظه­كاري مورد بررسي قرار گرفت. نتايج تحقيق نشان داد كه با افزايش اندازه، محافظه­كاري كمتر مي­شود. همچنين بين درجه رقابت در صنعت و مالكيت دولتي با محافظه­كاري يك رابطه­ مستقيم وجود دارد. بين ريسك و نرخ مؤثر مالياتي هيچ رابطه معناداري مشاهده نشد و بين شدت سرمايه­گذاري و تمركز مالكيت با محافظه­كاري يك رابطه­ معكوس وجود داشت.

**تحقیق مهراني، حلاج و حسيني**

مهراني، حلاج و حسيني(1388) تحقيقي را در بورس اوراق بهادار تهران و در محدوده­ زماني 1385-1376 با بهره گيري از روش تجزيه و تحليل رگرسيون تحت عنوان بررسي محافظه­كاري در سود حسابداري و رابطه­ آن با اقلام تعهدي تركيبي اجرا كردند.

يكي از فرضيات اصلي آنها اين بود كه همبستگي بيشتر اخبار بد با سود در قياس با همبستگي اخبار خوب با سود ( كه اين همبستگي بيشتر نشان دهنده وجود محافظه كاري است) متأثر از اقلام تعهدي است. سود حسابداري قابل تقسيم به دو بخش نقدي و تعهدي به شرح زير است:

Eit = ACCit+CFit

Eit = سود حسابداري شركت i در سال t و ACCit = كل اقلام تعهدي شركت i در سال t و CFit = جريان نقدي عملياتي شركت i در سال t

نتايج تحقيق نشان دهنده­ آن بود كه سطح محافظه­كاري و يا به عبارتي عدم تقارن زماني در شناسايي اخبار خوب نسبت به اخبار بد، براي اقلام تعهدي(ACC) و جريان­هاي نقدي عملياتي(CF) به ترتيب برابر با 249/0 و 067/0 مي باشد. يعني مي­توان نتيجه گرفت كه وجود محافظه­كاري و يا همان شناسايي سريع­تر اخبار خوب، بيشتر به دليل وجود اقلام تعهدي است نه اقلام نقدي. در واقع، مثبت بودن β3 كه طبق گفته باسو معياري براي سنجش محافظه كاري است، 78 درصد وابسته به اقلام تعهدي است و تنها 22 درصد وابسته به اقلام نقدي است.

# 2-17. خلاصه فصل

در این فصل ابتدا در رابطه با خصوصیات کیفی اطلاعات مالی بحث شد. بیان شد که محافظه کاری از خصوصیات مهم اطلاعات مالی است. سپس مفهوم محافظه کاری بیان شد. و پس از بیان مفهوم محافظه کاری، دیدگاه­های شش گانه محافظه کاری ارائه شد. در ادامه انواع محافظه کاری و معیارهای اندازه­گیری محافظه کاری و عوامل موثر بر محافظه کاری ارائه شده است. بخش بعدی که در این فصل مورد بررسی قرار گرفت، مفهوم رقابت در بازار بود. پس از بیان مفهوم رقابت، ارتباط بین محافظه کاری و ساختارهای رقابتی محصولات مورد بررسی قرار گرفت. بخش­های پایانی فصل در بر گیرنده اندازه­گیری رقابت، ارتباط محافظه کاری حسابداری و تامین مالی و آخرین بخش فصل هم پیشینه تحقیق بود.

# منابع و ماخذ

1. آذر، عادل و مؤمنی، منصور ، آمار و کاربرد آن در مدیریت، انتشارات سمت، چاپ دهم، 1383
2. ادهم، نقش محافظه کاری حسابداری در کیفیت سود و بازده سهام، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات، 1386
3. افلاطونی، عباس، نیکبخت، لیلی.(1389). کاربرد اقتصاد سنجی در تحقیقات حسابداری، مدیریت مالی و علوم اقتصادی، تهران انتشارات ترمه، چاپ اول.
4. بنی­مهد، بهمن، تبیین و ارائه الگویی برای اندازه­گیری محافظه کاری حسابداری، رساله­ دکتری، دانشگاه آزاد علوم تحقیقات، 1385
5. حافظ­نیا، محمد رضا، مقدمه­ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت، چاپ چهاردهم، 1387
6. رضازاده،جوادوعبدالله،آزاد،(زمستان1387)رابطه­ی بین عدمتقارن اطلاعاتی و محافظه کاری درگزارشگری مالی،بررسی­های حسابداری وحسابرسی،دوره15،شماره54 : 80 -63
7. شباهنگ، رضا، تئوری حسابداری، جلد اول، انتشارات مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی، چاپ ششم، 1387
8. شوروزی، محمد رضا و خاندوزی، برزگر، نبود تقارن اطلاعاتی و نقش اطلاعاتی محافظه کاری، ماهنامه­ حسابدار، سال بیست و چهارم، 1388
9. کردستانی،غلامرضا و مجدی ضیاءالدین، بررسی رابطه بین ویژگی­های کیفی وهزینه سرمایه سهام عادی،بررسی­های حسابداری وحسابرسی،دوره­ی چهاردهم،شماره­ی 49، 1386
10. کمیته­ی فنی سازمان حسابرسی،1386،استاندارد­های حسابداری،تهران: سازمان حسابرسی،نشریه­ی 160
11. مهرانی، ساسان، حلاج و حسنی، بررسی محافظه کاری در سود حسابداری و رابطه­ آن با اقلام تعهدی در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری، شماره­ سوم، 1388
12. محرومی رامین.(1388) رابطه ارزش اطلاعات مالی حسابداری محافظه­کارانه و غیر محافظه­کارانه. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید باهنر کرمان
13. Ali, A., Klasa S., and Yeung E. (2008). Product market competition and corporate disclosure policy: [*http://www.ssrn.com*](http://www.ssrn.com)
14. Artiacha, T.C. Clarksona, P.M.(2011). Disclosure, conservatism and the cost of equity capital: A review of the foundation literature. Accounting and Finance 51 (2011) 2–49
15. Ball, R, S.P, Kothari (2007); “Econometrics of the Basu asymmetric timeliness coefficient and accounting conservatism” ; *online;* [*http://www.ssrn.com*](http://www.ssrn.com)
16. Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timelines of earnings. *Journal of Accounting and Economics* 24: 3-37.
17. Basu, S. (2005). Discussion of "Conditional and unconditional conservatism: Concepts and modeling." *Review of Accounting Studies* 10: 311-321.
18. Bauwhede, H.W. (2007). The Impact of Conservatism on the Cost of Debt: Conditional versus Unconditional Conservatism. Vlerick Leuven Gent Management School. *http:/ /www .proques t.com*
19. Beaver, W & S, Ryan( 2004); ”Conditional and Unconditional Conservatism: Concepts and Modeling”; online; <http://www.ssrn.com>
20. Beaver, W.H. ,and S.G. Ryan. (2005). Conditional and unconditional conservatism: Concepts and modeling. Review of Accounting Studies. *online; http/www.ssrn.com*
21. Beaver, W.H., and S.G. Ryan. 2000. Bias and lags in book value and their effects on the ability of the book-to-market ratio to predict book return on equity. Journal of Accounting Research 38 (1): 127-148.
22. Bigusy, J. Schachnerzund, L. Stein, I.(2009) Relationship Lending and Conservative Accounting? [*http://www*](http://www) *.proquest .com*
23. Callen, J.L. Segal, d.e. Hope, a. (2009). The pricing of conservative accounting and the measurement of conservatism at the firm-year level. <http://www.ssrn.com>.
24. Clinch, G., and Verrecchia, R.E.(1997). Competitive disadvantage and discretionary disclosure in industries*. Australian Journal of Management* 22 (2): 125-137.
25. Darrough, M.N. (1993). Disclosure policy and competition: Cournot vs. Bertrand. *The Accounting Review* 68 (3): 534-561.
26. Darrough, M.N. ,and N.M. Stoughton. (1990). Financial disclosure policy in an entry game*. Journal of Accounting and Economics* 12: 219-243.
27. Dhaliwal , D. and Huang , SH. And Khurana , I.K. and Pereira. R. (2008) Product Market Competition and Accounting Conservatism. Electronic copy available at: [*http://ssrn.com/abstract=1266754*](http://ssrn.com/abstract=1266754)
28. Evans, J.H., and S.S. Sridhar. 2002. Disclosure-disciplining mechanisms: Capital markets, product markets, and shareholder litigation. The Accounting Review 77(3): 595-626.
29. Feltham, G.A., and Xie, J.Z. (1992). Voluntary financial disclosure in an entry game withcontinue of types. Contemporary Accounting Research, 9(1): 46-80.
30. Financial Accounting Standards Board (FASB). 2006. Conceptual framework for
31. financial reporting: Objective of financial reporting and qualitative characteristics of decision-useful financial reporting information.: FASB.
32. Folsom, D.M (2009); “Competithve Structure and Conditional Accounting Conservatism”; A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the Doctor of Philosophy degree in Business Administration in the Graduate College of The University of Iowa”; online; [*http://www.proquest.com*](http://www.proquest.com)
33. Francis, J and et al (2004); ”Cost of Capital and Earnings Attributes”; Accounting Review vol.79; PP 967-1010.
34. Givoly, D., and C.K. Hayn. (2000). The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: Has financial reporting become more conservative? Journal of Accounting and Economics 29: 287-320.
35. Guay, W., and R.E. Verrecchia. (2007). Conservative disclosure. Working paper,Wharton School of Business, University of Pennsylvania.
36. Hagerman Robert, L Zmijewski. Mark, (1979), Some Economic Determinants of Accounting Policy Choice, Journal of Accounting and Economics; 1:141-161
37. Iatridis, G.E (2011). Accounting disclosures, accounting quality and conditional and unconditional conservatism. International Review of Financial Analysis. 20 (2011) 88–102
38. Karuna, C. (2010). Industry Product Market Competition and Internal Corporate Governance.*http://ssrn.com*
39. Karuna, C. 2007. Industry product market competition and managerial incentives. *Journal of Accounting and Economics* 43: 275-297.
40. Karuna, C. 2008. Industry product market competition and corporate governance. *http://www .proquest .com*
41. Knoops. C.D. (2010). Accounting conservatism. *ERASMUS UNIVERSITY ROTTERDAM.Erasmus School of Economic*s
42. Laffond, R. and R. L. Watts. 2006. The InformationRole of Conservative Financial Statements. On Line:*[www.SSRN.Com](http://www.SSRN.Com)*.
43. Lara, J.M.G. Osma, B.G. Penalva, F. (2006). Cost of Equity and Accounting Conservatism. *IESE Business School, University of Navarra. http://www .proquest .com*
44. Li, J. (2009). Accounting Conservatism and Debt Contracts: Ecient Liquidation and Covenant Renegotiation. Columbia Business School. *http://www .proquest .com*
45. Ohlson, J. A. (1995). Earnings, book values, and dividends in equity valuation.*Contemporary Accounting Research* 11: 661-687.
46. Pae,J, D, Thornton & M, Welker (2005);” The Llink Between Earnings Cconservatism and The Price to Book Ratio”; Contemporary Accounting Research;Vol 22; PP 693-717.
47. Qiang, X. (2007). The effects of contracting, litigation, regulation, and tax costs on conditional and unconditional conservatism: Cross-sectional evidence at the firm level. The Accounting Review 82 (3): 759-796.
48. Raith, M.(2003). Competition, risk, and managerial incentives. The *American Economic Review*93 (4): 1425-1436.
49. Roychowdhury, S. and Watts. R.L. (2007). Asymmetric timeliness of earnings, marketto- book and conservatism in financial reporting. *Journal of Accounting and Economics* 44: 2-31.
50. Ryan, S.G. (2006). Indentifying conditional conservatism. *European Accounting Review*, 15(4): 511-525.
51. Salop, S.C.( 1979). Monopolistic competition with outside goods. *The Bell Journal of Economics* 10 (1): 141-156.
52. Shackelford, D.A & T, Shevlin ( 2001); “ Empirical tax research in accounting Journal of Accounting”; Journal of Accounting & Economics; pp 321-387.
53. Tao Ma, m. (2010). Accounting Conservatism and Corporate Investment. Olin Business School Washington University. *http://www .proquest .com*
54. Verrecchia, R.E. Essays on disclosure. (2001). *Journal of Accounting and Economics* 32: 97-180.
55. Watts R.L., Zimmerman J.L. (1986). Positive Accounting Theory. New Jersey, Prentice Hall
56. Watts, R.L. (2003)(a). Conservatism in accounting part I: Explanations and implications. *Accounting Horizons* 17 (3): 207-221.
57. Watts, R.L. (2003)(b). Conservatism in accounting part II: Evidence and research opportunities. *Accounting Horizons* 17 (4): 287-301
58. Xi Liy, x. (2010). Accounting conservatism and the cost of capital: international analysis. London Business School. . *http://www .proquest .com*
59. Zimmerman J.L. (1983)Taxes and Firm Size. *Journal of Accounting and Economics;* 5: 119-149.

1. - Clinch, Verrecchia. [↑](#footnote-ref-1)
2. سازمان حسابرسی؛مفاهیم نظری گزارش گری مالی (1386) [↑](#footnote-ref-2)
3. - Bliss [↑](#footnote-ref-3)
4. - Ohelssenand Folsom [↑](#footnote-ref-4)
5. - برای مطالعه بیشتر می­توانید به پژوهش­های رایان(2006) ،لافوند و واتس (2008) و گوی و وریکچییا (2007) مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-5)
6. . Securities and Exchange Commission(SEC) [↑](#footnote-ref-6)
7. Knoops [↑](#footnote-ref-7)
8. .Shackelford and Shevlin [↑](#footnote-ref-8)
9. - Ball et al [↑](#footnote-ref-9)
10. - Ex ante [↑](#footnote-ref-10)
11. - Ex post [↑](#footnote-ref-11)
12. - Pae, Thoronton and Walker [↑](#footnote-ref-12)
13. - Beaver and Ryan [↑](#footnote-ref-13)
14. - Qiang (2007) [↑](#footnote-ref-14)
15. - Iatridis [↑](#footnote-ref-15)
16. - Beaver and Ryan [↑](#footnote-ref-16)
17. - Givoly and Hayn [↑](#footnote-ref-17)
18. - Dhaliwal , Huang, Khurana & Pereira [↑](#footnote-ref-18)
19. - risk of liquidation [↑](#footnote-ref-19)
20. - Ahmed et al. 2002, Watts 2003 [↑](#footnote-ref-20)
21. - Feltham and Xie 1992 [↑](#footnote-ref-21)
22. Ali *et al.* 2008 [↑](#footnote-ref-22)
23. Herfindahl-Hirschman [↑](#footnote-ref-23)
24. Raith 2003 [↑](#footnote-ref-24)
25. Karuna 2007 [↑](#footnote-ref-25)
26. - Salop 1979 [↑](#footnote-ref-26)
27. - Tao ma [↑](#footnote-ref-27)
28. 38- Heidi Vander Bauwhede [↑](#footnote-ref-28)
29. 39- Dhaliwal , Huang, Khurana & Pereira [↑](#footnote-ref-29)
30. 40- Erasmus [↑](#footnote-ref-30)
31. 41- Dr. C.D. Knoops [↑](#footnote-ref-31)
32. 42- folsom [↑](#footnote-ref-32)
33. 43- Francis, J., R. LaFond, P.M. Olsson, and K. Schipper. [↑](#footnote-ref-33)
34. 44- Jeffrey L. Callen , Dan Segal, Ole-Kristian Hope [↑](#footnote-ref-34)
35. 45- increased volatility of returns [↑](#footnote-ref-35)
36. 46- Lara, Osma, Penalva [↑](#footnote-ref-36)
37. 47- Xi Liy [↑](#footnote-ref-37)